

Components of Resistance in the Political Culture of the Yemeni Ansarullah Movement

Masoud Akhavan Kazemi

Associate Professor of Political Science, Razi University, Iran, mak392@yahoo.com

Hamed Shahmaleky*

Ph.D. Student in Political Studies of Islamic Revolution, Shahed University, Iran

(Corresponding Author) shahmaleky554@Gmail.com

Abstract

Objective: The Ansarullah movement in Yemen, as an Islamic and Shiite movement, is one of the movements which is formed as a result of acquaintance with the Islamic Revolution and being inspired by its ideals and ideas and while following the discourse of resistance, has established the nuclei of resistance in Yemen; Today, this movement is the main player in the developments in Yemen and one of the main components of the axis of resistance in the region and has been able to defend the independence and territorial integrity of Yemen in an unequal war with Saudi Arabia and its allies. Given the importance and prominent position of the Yemeni Ansarullah movement in the regional equations and developments of this country and its deep ties with the Islamic Republic of Iran, it is necessary to recognize the components that affect the identity and political culture of this movement. The purpose of this article is to answer the main question 'what are the main components of resistance in the political culture of the Yemeni Ansarullah movement?'

Method: This article uses a qualitative method (documentary analysis) and a constructivist approach to answer the main research question.

Results: The findings of this study show that the most important components of resistance in the political culture of the Yemeni Ansarullah movement involve popular roots of the movement, Islamism, anti-arrogance (anti-Americanism and Zionism), justice, independence and peace, the prominence of the leadership.

Conclusion: Ansarullah movement is a dynamic, strong and flagship movement based on the original ideas of the Zaydi religion, especially The two principles are to rise up against oppression, and to command what is good and forbid what is evil which has been able to gain widespread influence in Yemeni society, even among the Sunnis. The political culture of this movement is rooted in the religious beliefs of the Zaidi Shiites and is ideologically influenced by the Islamic Revolution of Iran and if it dominates the strategic Strait of Bab al-Mandeb, it can strengthen the sovereignty of the axis of resistance in the region.

Keywords: Ansarullah Movement, Zaydi, Political Culture, Yemen, Axis of Resistance.

Article Type: Research

* Political Studies of Islamic World, Vol.10, NO.1, 2021, 75-105

DOI: 10.30479/PSIW.2021.14513.2917

Received on 5 November, 2020

Accepted on 7 May, 2021

Copyright© 2021, Akhavan Kazemi & Shahmaleky

Publisher: Imam Khomeini International University.



مؤلفه‌های مقاومت در فرهنگ سیاسی جنبش انصارالله یمن

مسعود اخوان کاظمی

دانشیار علوم سیاسی - دانشگاه رازی، mak392@yahoo.com

حامد شاهملکی*

دانشجوی دکترای مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد(نویسنده مسئول) shahmaleky554@Gmail.com

چکیده

هدف: جنبش انصارالله یمن به عنوان یک جنبش اسلامی و شیعی، در شمار جنبش‌ها و حرکت‌هایی است که در نتیجه آشنایی با انقلاب اسلامی و الهام‌گیری از آرمان‌ها و اندیشه‌های آن تشکیل شده و ضمن تأسی به گفت‌وگو، مقاومت، هسته‌های مقاومت را در کشور یمن پایه‌گذاری نموده است؛ این جنبش امروزه بازیگر اصلی تحولات یمن و از اجزای اصلی محور مقاومت در منطقه است و به خوبی توانسته در جنگی نابرابر با عربستان سعودی و متحدانش از استقلال و تمامیت ارضی یمن دفاع نماید. با توجه به اهمیت و جایگاه برجسته جنبش انصارالله در معادلات منطقه‌ای و تحولات یمن و پیوندهای عمیق این جنبش با جمهوری اسلامی ایران، شناخت مؤلفه‌های اثرگذار بر هویت و فرهنگ سیاسی این جنبش، ضروری می‌نماید. هدف این نوشتار، پاسخ به این سؤال اصلی است که مؤلفه‌های اصلی مقاومت در فرهنگ سیاسی جنبش انصارالله یمن کدامند؟

روش: این مقاله از روش کیفی (تحلیل اسنادی) و رهیافت سازه‌نگاری برای پاسخ به سؤال اصلی تحقیق استفاده نموده است.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، مهمترین مؤلفه‌های مقاومت در فرهنگ سیاسی جنبش انصارالله یمن عبارتند از: ریشه‌های مردمی جنبش، اسلام‌گرایی، استکبارستیزی(ضدیت با آمریکا و صهیونیسم)، عدالت-طلبی، استقلال‌طلبی و صلح‌طلبی، برجستگی‌های کادر رهبری.

نتیجه‌گیری: جنبش انصارالله، جنبشی پویا و نیرومند و پرچمدار نهضتی بر پایه اندیشه‌های اصیل زبده بویژه دو اصل قیام به سیف در برابر ظلم و اصل امر به معروف و نهی از منکر است که توانسته نفوذ گسترده‌ای در جامعه یمن حتی میان اهل سنت پیدا کند. فرهنگ سیاسی این جنبش ریشه در اعتقادات دینی شیعیان زیدی و تأثیرپذیری ایدئولوژیکی از انقلاب اسلامی ایران دارد و در صورت تسلط بر تنگه راهبردی باب‌المنذب می‌تواند حاکمیت محور مقاومت را در منطقه تحکیم نماید.

واژگان کلیدی: جنبش انصارالله، زبده، فرهنگ سیاسی، یمن، محور مقاومت.

نوع مقاله: پژوهشی

* مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۴۰۰، دوره ۱۰، شماره ۱، پیاپی ۳۷، صص. ۷۵-۱۰۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۲/۱۷



۱- مقدمه

در پی وقوع انقلاب اسلامی ایران، ایدئولوژی هویت‌بخش و استقلال‌طلبانه مقاومت اسلامی که خاستگاه آن اعتقادات و باورهای دینی مردم مسلمان منطقه و مؤلفه‌های شهادت-طلبی، ایثار و مقاومت در اندیشه سیاسی تشیع است، به یکی از زیرساخت‌های اساسی و تعیین‌کننده تحولات خاورمیانه تبدیل شده و نقش برجسته‌ای در ایجاد هسته‌های مقاومت و شکل دادن به هویت دینی، فرهنگی و بومی مسلمانان منطقه بویژه در کشورهای موسوم به محور مقاومت داشته؛ به گونه‌ای که استکبار جهانی با احساس خطر از پویایی جریان مقاومت اسلامی در منطقه، برای مقابله با آن به پروژه‌های اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی متوسل شده است.

نگاهی اجمالی به وضعیت کنونی غرب آسیا، وجود دو جریان را نشان می‌دهد که در هر تحولی که در منطقه رخ می‌دهد، می‌توان آشکارا ردپای آن‌ها را مشاهده کرد: نخست، محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران که با خط‌مشی تجدیدنظرطلبانه در پی استقرار نظامی نوین در غرب آسیاست. دوم، جریان محافظه‌کار به رهبری عربستان سعودی که همان‌طور از نامش پیداست، با اتخاذ خط‌مشی محافظه‌کارانه در صدد حفظ وضع موجود است و با هرگونه تغییری، مگر آن تغییراتی که به زیان محور مقاومت باشد، مخالفت می‌ورزد. تقابل میان دو جریان مربوط به چند سال اخیر نیست، بلکه از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ (۱۹۷۹م) کمابیش ادامه دارد. (بابایی، ۱۳۹۴: ۳۰)

وقوع تحولات موسوم به «بیداری اسلامی» در کشورهای عربی، بیش از هر زمان دیگری زمینه را برای رویارویی این دو جریان سازش و مقاومت فراهم کرده است؛ چنان که کشورها و جریان‌های سیاسی فعال در منطقه، هر یک راه ائتلاف با یکی از دو جریان اصلی را پیش گرفته‌اند. در این میان، پیروزی انقلاب مردم یمن و سقوط رژیم دیکتاتوری و وابسته علی عبدالله صالح، انرژی نهفته مقاومت اسلامی این ملت را نمایان ساخت و این کشور را به عنوان جدیدترین عضو محور مقاومت به جهانیان معرفی کرد. جنبش انصارالله با حضور و نقش‌آفرینی گسترده در سپهر سیاسی یمن و در همسویی با جریان مقاومت و با الهام‌گیری از انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های امام خمینی(ره)، توانسته جریان احیای دینی و اسلامی را در کشور یمن پایه‌گذاری نموده و بخش عمده‌ای از نیروهای سیاسی و مردم این کشور را با خود همراه نماید و علی‌رغم تفاوت فاحش در سطح برخورداری از ثروت و امکانات نظامی نسبت به دشمنان خود، به خوبی توانسته با بهره‌گیری از روحیه مقاومت در مقابل تجاوز ویرانگر و طولانی‌مدت عربستان سعودی که با حمایت و پشتیبانی غرب انجام گرفته، ایستادگی نموده و شکست‌های گسترده‌ای بر متجاوزین تحمیل نماید. این پیروزی را بیش از هر چیز دیگری با آموزه‌های مقاومت می‌توان تفسیر کرد. لذا سؤال اصلی که در این تحقیق مطرح می‌شود،

عبارت است از اینکه مؤلفه‌های اصلی مقاومت در فرهنگ سیاسی جنبش انصارالله یمن کدامند؟ فرضیه اصلی تحقیق نیز مستعمل است بر آن است که این مؤلفه‌ها ریشه در اعتقادات دینی و اسلامی، هویت استقلال‌طلب و ظلم‌ستیز جنبش و تأثیرپذیری ایدئولوژیک از انقلاب دارد. بی‌تردید از رهگذر پاسخ به این سؤال، شناخت عمیق‌تری از هویت، ماهیت و ظرفیت‌های این جنبش حاصل آمده و موجب درک بهتری از تحولات یمن و محور مقاومت می‌شود.

سوالات فرعی

معنا و مفهوم مقاومت اسلامی چیست؟

معنا و مفهوم فرهنگ سیاسی چیست؟

شعبان زبیدی و شیعیان اثنی‌عشری از نظر اعتقادی چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

پیشینه تاریخی حوثی‌ها در جامعه یمن چگونه است؟

۲- پیشینه تحقیق

در مورد موضوع تحقیق حاضر؛ یعنی جنبش انصارالله یمن، تعداد مقالاتی که منتشر شده بسیار بیشتر از کتاب‌هایی است که در این موضوع به نگارش درآمده است. در زیر به تعدادی از جدیدترین مقالات چاپ شده اشاره می‌شود:

۱. اکبر خزلی پور و حمیدرضا ادیبی در مقاله ای تحت عنوان «جریان‌شناسی جنبش انصارالله یمن در راستای قدرت‌بخشی به ژئوپلیتیک مقاومت» که در شماره ششم فصلنامه جغرافیای نظامی امنیتی به چاپ رسیده، به ریشه‌های شکل‌گیری جنبش انصارالله به عنوان جنبشی اجتماعی پرداخته و تأثیرات انقلاب اسلامی بر این جنبش را مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها در بررسی خود از چارچوب نظری جنبش‌های اجتماعی دلاپورتا و و رویکرد فرایند سیاسی مک‌آدام استفاده نموده‌اند. ایشان سه‌گانه شکل‌گیری جنبش‌ها از نظر مک‌آدام؛ یعنی وجود فرصت سیاسی، توانایی سازماندهی و بعد شناختی را بر جنبش انصارالله تطبیق نموده و معتقدند فرصت سیاسی ظهور انصارالله، اعتراضات مردمی به دولت به دلیل وضعیت اقتصادی، فعالیت‌های وهابیت و حضور آمریکایی‌ها در یمن به بهانهٔ مقابله با القاعده بوده، در بُعد سازماندهی از نظر آن‌ها انصارالله توانسته اعتراضات مردمی را سازماندهی نموده و از رهبری منسجم برخوردار سازد و در بُعد شناختی نیز این جنبش را متکی به آموزه‌های مذهب زیدیه در تشکیل حکومت و مبارزه با ظلم می‌دانند.

۲. احمد جانسیز و مصطفی تارین در مقاله «بررسی ریشه‌های سیاسی و ایدئولوژیک جنبش حوثی‌ها» که در سال ۱۳۹۸ در شماره ۲۱ نشریه سپهر سیاست به چاپ رسیده، ریشه‌ها، محرک‌ها، و انگیزه‌های سیاسی و ایدئولوژیک جنبش انصارالله را بر اساس نظریهٔ بحران‌های شش‌گانه دکم‌جیان مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مقاله، بحران‌های شش‌گانه (بحران

مشروعیت، هویت، آشوب و فشار، تضاد طبقاتی، ضعف نظامی، بحران فرهنگی) در جامعه یمن مورد بررسی قرار گرفته و تأثیر آن‌ها در پیدایش جنبش انصارالله تحلیل شده است. در این مقاله نیز در تحلیل عوامل داخلی پیدایش انصارالله به شرایط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی یمن، از جمله نقش مذهب زیدیه و مبانی شیعی جنبش، اقدامات سکولاریستی حکام یمن بویژه در دوره علی عبدالله صالح اشاره شده و در تحلیل عوامل خارجی به دخالت‌های وهابیت عربستان سعودی، آمریکا و تأثیر افکار منبعث از انقلاب اسلامی اشاره شده است.

۳. در مقاله دیگر، حسین آرمند «گزینه‌های پیش روی انصارالله برای پیروزی در جنگ» را مورد بررسی قرار داده است. این مقاله نیز در سال ۹۸ در مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام به چاپ رسیده است. در این پژوهش، نویسنده تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که انصارالله برای پیروزی در جنگ چه ابزارها و امکاناتی در اختیار دارد. در این راستا، سیر تحولات سیاسی و میدانی در یمن بویژه از سال ۱۳۹۴ که عربستان سعودی به یمن حمله کرد را مورد بررسی قرار داده و راهبرد هایی را برای پیروزی انصارالله در جنگ پیشنهاد می‌کند که عبارتند از: ۱- تداوم راهبرد تهاجم فعال به منظور بازدارندگی و پرهیز از خزیدن در لاک دفاعی. ۲- بهره‌گیری از رسانه کارآمد به منظور خنثی‌سازی تبلیغات دشمن سعودی ۳- در پیش گرفتن دیپلماسی عمومی در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف ایجاد مخالفت گسترده با تجاوز عربستان به یمن ۴- در پیش گرفتن راهبرد آشتی ملی با دیگر جریان‌ها و بازیگران سیاسی در یمن جهت تشکیل دولت ملی.

۴. امید وقوفی در مقاله‌ای با عنوان «سناریوهای آینده سیاسی یمن تا سال ۱۴۰۸» که در سال ۱۳۹۹ در مجله آفاق امنیت به چاپ رسیده، با استفاده از چارچوب نظری آینده‌پژوهی و تکنیک سناریوپردازی و بهره‌گیری از نرم‌افزارهای تخصصی و نظرات کارشناسان، سناریوهای پیش روی آینده سیاسی یمن تا ۱۴۰۸ را بررسی نموده است. بر این اساس، او مهمترین بازیگران داخلی و خارجی دخیل در بحران یمن را شناسایی کرده و شش سناریو را برای آینده سیاسی یمن ترسیم و تعریف می‌نماید. اصلی‌ترین سناریو از نظر ایشان که سناریوی مطلوب ایران است، عبارت است از: (حفظ دولت انقلابی یمن). او نشانه‌های تحقق این سناریو را شکست عربستان و امارات در جنگ و موفقیت انصارالله در تصرف مناطق شمالی و توافق با جنوبی‌ها می‌داند.

۵. مقاله «تحلیل مداخله عربستان در یمن از منظر پارادایم حقوق بین‌الملل» نیز از جمله جدیدترین مقالاتی است که در این حوزه به چاپ رسیده و نویسندگان حمله عربستان به یمن را از منظر حقوق بین‌الملل مصداق تجاوز نامشروع به تمامیت ارضی یمن دانسته و بر حق دفاع مشروع برای مردم یمن در مقابل تجاوز و جنایت جنگی سعودی‌ها تأکید دارند.

آثار و مقالاتی که در ارتباط با جنبش انصارالله و یمن در یک دهه اخیر نگاشته شده، عمدتاً در چند محور قابل دسته‌بندی هستند: دسته اول، آثاری که در حوزه تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن و به طور ویژه بر جنبش انصارالله نگاشته شده است. دسته دوم، آثاری که در حوزه راهبردنگاری و سناریونویسی برای آینده یمن نوشته شده است. شق دیگر، آثاری هستند که تجاوز عربستان به یمن را از منظر حقوقی مورد بررسی قرار داده و در نهایت آثاری که زبیده در یمن را از منظر تاریخی بررسی کرده‌اند. نوآوری و وجه تمایز این پژوهش از آثار یاد شده، مطالعه جنبش انصارالله از دریچه فرهنگ سیاسی و یافتن مؤلفه‌هایی برای تعریف این جنبش در گفتمان مقاومت اسلامی است.

۳- ضرورت، اهمیت و اهداف تحقیق

گفتمان مقاومت در منطقه خاورمیانه، منبعث از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران و آموزه‌های مبارزاتی شیعه است و از این نظر، جمهوری اسلامی ایران کانون الهام‌بخش فرهنگ مقاومت در منطقه بوده و بین این دو پیوندی ناگسستنی وجود دارد. لذا هر تلاشی برای تقویت این گفتمان در واقع تلاشی در جهت تقویت مرزهای فرهنگی و اعتقادی انقلاب اسلامی است که ضرورتی انکارناپذیر است. از طرفی پرداختن به موضوع جنبش انصارالله از جهاتی واجد اهمیت ویژه است؛ از جمله اینکه:

۱- جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در چند دهه اخیر از مهمترین بازیگران در مجموعه امنیتی خاورمیانه بوده‌اند که نظم امنیتی حاکم در مجموعه خاورمیانه را دستخوش تغییر کرده و در موازنه قوا میان کشورها با توجه به الگوهای دوستی و دشمنی، جایگاه برجسته‌ای داشته‌اند. جنبش انصارالله نیز بعد از وقوع بیداری اسلامی در این کشور، به بزرگترین بازیگر سیاسی تحولات یمن تبدیل شده است، لذا پرداختن به این موضوع واجد اهمیت است.

۲- عربستان سعودی همواره تلاش نموده با معرفی جنبش انصارالله به عنوان گروهی شورشی و غیرمشروع در جامعه جهانی از طریق حملات نظامی، انصارالله را وادار به عقب‌نشینی کند. بنابراین معرفی صحیح این جنبش به عنوان جنبشی اسلامی و اصیل که در نتیجه بیداری اسلامی متولد گردیده و پیگیر مطالبات و آرمان‌های حقیقی ملت یمن است، از جوه دیگر اهمیت موضوع پژوهش است.

۳- موضوع دیگر، شرایط ویژه استراتژیک و ژئوپلیتیک یمن به دلیل اشراف این کشور بر خلیج عدن، اشراف کامل بر تنگه استراتژیک (باب المندب)، اشراف کامل بر آبراه حساس دریای سرخ و تسلط یمن بر کوه‌های استراتژیک (مران) است که خود به خود مسائل مربوط به این کشور و پژوهش‌های مرتبط را با اهمیت می‌کند.

۴- انجام این پژوهش به دلیل نقشی که در شناخت بیشتر جنبش انصارالله به عنوان عضوی از محور مقاومت دارد، دارای اهمیت است بویژه اینکه مطالعه این جنبش از منظر شناخت فرهنگ سیاسی آن کاری جدید محسوب می‌شود.

برای انجام این پژوهش اهدافی نیز متصور است؛ از جمله: ارائه تصویری واضح‌تر از عقاید زیدیان یمن و پیشینه تاریخی آن‌ها، ارائه تصویری جدیدتر از جنبش انصارالله از دریچه آشنایی با فرهنگ سیاسی، مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی این جنبش در قالب رهیافت سازانگاری، بسط نظری و تقویت گفتمان مقاومت، آشکار ساختن تعلقات این جنبش به گفتمان مقاومت و انقلاب اسلامی ایران.

۴- روش تحقیق

این پژوهش از نظر اهداف تحقیق از نوع تحقیقات کاربردی است. از جهتی دیگر، در این تحقیق به مطالعه، توصیف و تحلیل پرداخته شده است، لذا از نظر روش تحقیق (توصیفی تحلیلی) است. در این پژوهش اطلاعات لازم برای پاسخگویی به سؤالات، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعه اسناد و مدارک، گزارش‌های تحقیقی، جستجوی اینترنتی، جستجو در محتوای پایگاه‌های اطلاعاتی، فصلنامه‌ها و مجلات تخصصی گردآوری شده و رهیافت اصلی در پژوهش، چارچوب تحلیلی سازه‌نگاری است.

۵- تعریف مفاهیم و مؤلفه‌های نظری

الف) چارچوب تحلیلی یا رهیافت پژوهش - سازه‌نگاری

رویکرد سازه‌نگاری از دهه ۱۹۹۰ وارد مباحث سیاسی و روابط بین‌الملل شد (ستوده، ۱۳۸۵: ۱۴۰). این رویکرد به مکتبی اطلاق می‌شود که تلاش می‌کند با کنار زدن ماده‌گرایی یا ماتریالیسم صرف، از ساحت مطالعات اجتماعی با نگرشی کل‌گرا و سیستماتیک به پدیده‌های اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی، اصالت ایده و اندیشه را در ساخت پدیده‌های اجتماعی پدیدار ساخته و از این طریق، تفاوت پدیده‌های اجتماعی با اشیاء و موجودات مادی را آشکار سازد. بر اساس رویکردی فلسفی، سازه‌نگاری به طور کلی تمام دانش و نیز پدیده‌های انسانی بر ساخته هستند و این برساختگی به گونه اجتماعی و در جریان کنش متقابل بین‌الذهانی رخ می‌دهد، لذا در این رویکرد، فرض بر آن است که دانش و پدیده‌های انسانی و اجتماعی انعکاس واقعیت متعین نبوده، بلکه وابسته و مشروط به ذهنیت‌های انسانی، تجربیات اجتماعی و رسوم و پیمان‌های اجتماعی هستند (سلیمی، ۳۴: ۸۹).

از منظر سازه‌نگاری، هویت و هنجارها نقش مهمی در سیاست خارجی کشورها بازی می‌کنند. تصمیم‌گیرندگان بر اساس هنجارها و قواعدی که متأثر از عوامل ذهنی، تجربه تاریخی،

هویت، فرهنگ، و حضور در نهادهاست، تصمیم‌گیری می‌کنند. آنچه در میان عوامل غیرمادی برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست خارجی بیشتر مورد توجه سازه‌انگاران قرار گرفته، مسألهٔ هویت است. (یزدانی، رویانژاد، ۱۳۹۳: ۴۶).

مهم‌ترین خصوصیت متمایز سازه‌انگاری در قلمرو هستی‌شناسی از نظر جان راگی، تأکید آن بر هستی‌شناسی رابطه‌ای است. از نظر او، سازه‌انگاری بر عوامل فکری؛ مانند هنجارها، فرهنگ و انگاره‌ها اهمیت ویژه قائل است و از این منظر، هستی‌شناسی سازه‌انگاری مبتنی بر سه مفروضهٔ اصلی است. بر ساخته بودن هویت و اهمیت دادن به جایگاه ساختارهای معنایی و فکری در آن، تعامل ساختار کارگزار و نقش راهبردی هویت در شکل‌دهی به منافع و سیاست-ها (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۲۰). با توجه به تأکید سازه‌انگاری بر اولویت متغیرهای غیرمادی؛ همچون فرهنگ، هویت، هنجارها و اندیشه‌ها در تبیین رفتار کنشگران، به نظر می‌رسد چارچوب تحلیلی مناسب‌تری جهت تحلیل رفتاری و فرهنگ سیاسی جنبش انصارالله است که واجد مؤلفه‌ها و درون‌مایه‌های مذهبی و قومی است؛ لذا رهیافت اصلی حاکم بر این پژوهش، رهیافت سازه‌انگاری بوده و تحلیل مؤلفه‌های مقاومت در فرهنگ سیاسی جنبش انصارالله یمن بر اساس توجه به پیشینهٔ تاریخی مذهب زیدیه و ابعاد اعتقادی، فرهنگی، هویتی و فکری در جنبش انصارالله انجام گردیده است.

(ب) فرهنگ سیاسی

فرهنگ، عبارت است از هر آنچه میراث فکری، تاریخی، فرهنگی و زبانی مشترک یک ملت، مشتمل بر آداب و رسوم، مذهب، ایدئولوژی، جهان‌بینی، ارزش‌ها، هنجارها، نظام اعتقادات و دیدگاه‌های مشترک را شکل می‌دهد (حسینی، ۱۳۸۸: ۶) و اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۱). بخشی از فرهنگ عمومی جامعه که فرایندهای سیاسی در چارچوب آن شکل می‌گیرد، فرهنگ سیاسی نامیده می‌شود. آلموند نخستین کسی است که اصطلاح فرهنگ سیاسی را به عنوان مفهومی جدید در علم سیاست به کار برد و پس از او، این مفهوم در ادبیات توسعهٔ سیاسی به وفور کاربرد پیدا کرد. (امام جمعه‌زاده و موسوی، ۱۳۸۹: ۷۷). او خود در تعریف فرهنگ سیاسی، آن را ایستارها، سمت‌گیری‌ها و نگرش‌های فردی به سیاست در میان اعضای جامعه تعریف می‌کند. (امینی و خسروی، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

در تعریف دیگری، فرهنگ سیاسی را شکل دهنده به نهادها، ساختارها و کنش‌های سیاسی دانسته‌اند که در قالب مجموعه ارزش‌ها، گرایش‌ها، بینش‌ها، باورها، معیارها و عقاید یک ملت تجلی پیدا کرده و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و جامعه را برای نیل به هدف-های خود هدایت می‌کند (کاظمی، ۱۳۷۴: ۱۰۲). فرهنگ سیاسی هر جامعه، محصول فرهنگ و تاریخ آن جامعه است که در امتداد فرهنگ عمومی جامعه تحت تأثیر مؤلفه‌های مختلفی همچون وضعیت اقلیمی، شرایط تاریخی، اعتقادات و نظامات سیاسی-اجتماعی، آداب و رسوم

و سنت‌های یک جامعه شکل گرفته و در طول زمان از طریق فرایند جامعه‌پذیری سیاسی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.

ب) فرهنگ سیاسی انصارالله یمن

فرهنگ سیاسی انصارالله یمن به طور عمده از نظام اعتقادی و ارزش‌های تشیع زیدیه ناشی می‌شود که به طور خلاصه مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی همچون اعتقاد به امامت زید بن علی بن الحسین (ع)، مخالفت با تقیه و مصلحت‌اندیشی در هر زمانی، قیام با شمشیر در مقابل حاکم ظالم، اعتقاد به اینکه امام باید در مقابل ظلم آشکارا قیام کند و وجوب یاری رساندن به امامی که قیام کرده، ناشی می‌شود. فرهنگ سیاسی شیعه را این‌گونه می‌توان تعریف کرد: مجموعه‌ای منسجم از اعتقادات، ارزش‌ها و نمادهای مذهب تشیع که از منابع شیعی برآمده و مبنای عمل شیعیان در برابر قدرت‌ها و حکومت در ادوار تاریخی بوده است (ابوطالبی، مهدی ۱۳۷۸: ۱۵). از اصول و فروع دین اسلام بر اساس مذهب تشیع، نظام اعتقادی شیعه حاصل می‌آید و این نظام اعتقادی از ارکان اصلی فرهنگ سیاسی تشیع است که عناصر آن دارای پیوستگی و انسجام درونی هستند. عناصر مهم این نظام اعتقادی که در رفتار سیاسی شیعیان تأثیرات مستقیم داشته، عبارتند از: اصول امامت، معاد، امر به معروف و نهی از منکر، تولا و تبراً و جهاد که در ادامه به اختصار توضیح داده می‌شوند.

۱- امامت

شیعیان معتقدند بر اساس قاعده لطف، همان‌گونه که ارسال رسولان و پیامبران برای هدایت بشر امری ضروری بوده است، با توجه به خاتمیت دین اسلام، زمین نمی‌تواند از حجت خدا خالی باشد؛ لذا تداوم هدایت بشر در قالب وجود امامان معصوم (علیهم‌السلام) دوازده‌گانه نیز ضرورت دارد. شیعه معتقد است که امام زمان (عج) به عنوان آخرین امام معصوم در این عالم حضور دارد و شیعیان باید زمینه‌های ظهور آن حضرت از پس پرده غیبت را فراهم نمایند. بر اساس نظام فکری تشیع، در غیاب امام زمان (عج)، وظیفه سامان‌بخشی به امور مسلمین در همه شئون سیاسی و مذهبی؛ از جمله استنباط احکام شرعی، مسائل مربوط به حکومت و اداره جامعه، بر عهده نواب عام امام زمان یعنی فقهای جامع‌الشرایط است. مفهوم غیبت، انتظار، اجتهاد و ولایت فقیه از جمله مفاهیمی هستند که از اصل امامت به دست آمده و در رفتار سیاسی شیعیان مؤثر است. (wikifeqh.ir)

۲- معاد

شیعه مرگ را مترادف با فنا و نابودی نمی‌داند؛ بلکه بر اساس اعتقادات تشیع، با مرگ زندگی انسان ابدی و دائمی می‌گردد. مرگ تنها پلی است برای انتقال انسان به جهانی دیگر که در ماورای این دنیا واقع شده و فنا و نابودی در آن راه ندارد (مسعودنیاو حسینی، ۱۳۹۳: ۷). این آموزه تأثیر فراوانی در فرایند شکل‌گیری رفتارهای سیاسی شیعیان دارد. حساب و کتاب

از اعمال انسان و لزوم پاسخگویی در برابر خداوند، و ثواب و عقاب بر اساس نتیجه اعمال این جهانی، از مقولات مرتبط با بحث معاد هستند.

۳- امر به معروف و نهی از منکر

یکی از فروع اعتقادی تشیع که از واجبات و ضروریات دین است و در طول تاریخ، نقشی برجسته در شکل دادن به رفتار و کنش سیاسی شیعیان ایفا کرده، اصل امر به معروف و نهی از منکر است. اهمیت این مفهوم به گونه‌ای است که تأثیرگذارترین قیام تشیع در طول تاریخ؛ یعنی قیام امام حسین (ع) بر اساس آن تفسیر می‌گردد. خداوند متعال نیز در قرآن کریم جامعه نیک را با ویژگی امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کند. آنجا که در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ»

اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصلی اساسی در فرهنگ سیاسی اسلام است که به کارگیری صحیح آن می‌تواند اصل نظارت همگانی بر حکومت و سلامت جامعه را در همه ابعاد استمرار داده و پیشرفت نظام اسلامی صالح را تضمین و تأمین نماید.

۴- تولی و تبری

تولا و تبری به معنای حب و عشق و دوستی نسبت به خداوند متعال و اولیاء دین؛ از جمله پیامبران، ائمه معصوم (علیهم‌السلام)، پیشوایان دینی و همه کسانی که در مسیر رضایت الهی در حرکتند و بغض و دشمنی و دوری از دشمنان خدا و رد ولایت و اطاعت از همه کسانی که در مسیر باطل در حرکتند، از فروع دین اسلام و در عین حال از مهم‌ترین آموزه‌های اعتقادی تأثیرگذار بر رفتار شیعیان در طول تاریخ بوده است.

تولی و تبری مفهومی کاملاً سیاسی است و اثبات ولایت اولیای الهی و رد هر ولایت باطل و شیطانی از نتایج آن است. به تعبیر شهید مطهری، «تاریخ شیعه با نام یک سلسله از شیفتگان، شیدایان و جانبازان سر از پا نشناخته توأم گردیده است.» (مطهری، ۱۳۸۴: ۶۳). در واقع همین عشق و شیدایی و ولایت‌پذیری، نیروی بالقوه و موتور محرکه بسیاری از حرکات و جنبش‌های انقلابی تشیع علیه ستمگری حاکمان جور بوده است.

۵- جهاد

جهاد، عنصر تأثیرگذار دیگری در نظام اعتقادی و فرهنگ سیاسی تشیع است که در آموزه‌های اسلامی جایگاهی والا داشته و اجر و ثواب فراوانی برای آن ذکر گردیده است. در قرآن کریم جایگاه جهاد و مجاهدین در آیات متعددی تبیین گردیده که نشانگر اهمیت بالای آن در آموزه‌های اسلامی است؛ چنان که در آیه ۹۵ سوره نساء، خداوند متعال مجاهدین را بر قائدین فضیلت داده و برای آن‌ها برتری و اجری عظیم متصور می‌شود.

در اعتقادات اسلامی، مجاهدان کسانی هستند که با خداوند وارد معامله مستقیم شده و خداوند برای کسانی که در راه او با جان و مال خود جهاد می‌کنند، ثمن بهشت را قائل شده و یکی از درهای بهشت را مختص مجاهدان قرار داده است و در عین حال، کسانی را که از جهاد فرار می‌کنند، مشمول بدترین مجازات‌ها دانسته است.

بر همین اساس است که تاریخ شیعه مملو از جهاد و مبارزه در راه حق و عدالت است و شیعیان در میدان‌های جانبازی و فداکاری برای از میان بردن ظلم و بی‌عدالتی همواره بر یکدیگر سبقت گرفته‌اند و زمینه اعتقادی و ایمانی و سرنوشت تاریخی آن‌ها همواره بستری برای تقویت روح مبارزه و انقلابی‌گری فراهم کرده است. (هنری، لطیف‌پور، ۱۳۸۰: ۸۵) استکبارستیزی، شهادت‌طلبی و عدالت‌خواهی در تشیع، خود را در نمادهایی همچون نهضت عاشورا، اربعین، نقش مساجد و حسینیه‌ها، اعیاد مذهبی نشان می‌دهند.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان مؤلفه‌های ظلم‌ستیزی، امر به معروف و نهی از منکر، خدامحوری، عدالت‌خواهی، تقواگرایی، استکبارستیزی، شهادت‌طلبی، امامت و ولایت فقیه، اجتهاد و مرجعیت را از شاخصه‌های کلی فرهنگ سیاسی تشیع دانست. (معلم، ۱۳۸۲: ۴۴)

۶- موقعیت یمن و زیدیه

یمن در جنوبی‌ترین بخش شبه‌جزیره عربستان قرار دارد. این منطقه از صدر اسلام از مهم‌ترین مناطق رشد شیعه بوده و شهر صنعا پایتخت آن است. یمن از شمال به عربستان سعودی، از جنوب به خلیج عدن، از مغرب، ساحل دریای سرخ و از سمت مشرق به سلطنت عمان محدود است. زبان رسمی آن عربی و واحد پول آن، ریال یمنی است. مساحت یمن ۵۲۷،۹۶۸ کیلومتر مربع است و دو ساحل مهم دارد. ساحلی غربی در کرانه دریای سرخ و ساحلی جنوبی در کرانه دریای عرب، همچنین بیش از ۲۰۰ جزیره دارد که مهم‌ترین آن‌ها جزایر سقطره در دریای عرب است (ویکی‌پدیا).

کشور یمن به دلیل برخورداری از نعمت باران‌های منظم، زمین‌های حاصلخیز، کشاورزی پررونق، جنگل‌ها و مناطق کوهستانی، نخلستان‌ها و باغ‌های میوه‌گوناگون همواره آباد و خرم بوده و به همین دلیل نیز این کشور از قدیم‌الایام و قبل از کشف نفت به «عربستان خوشبخت» نام گرفته بود. در نتیجه، جمعیتی انبوه در آنجا سکونت پیدا کرده و روستاها و شهرها را پدیدآوردند. سابقه تمدنی یمن به صدها سال پیش از میلاد مسیح برمی‌گردد. (اکبری، ۱۳۹۷:

۲۷)

یمن در سال ۲۰۱۶ میلادی، حدود ۲۷،۵ میلیون نفر جمعیت داشته که ۳۵ درصد شهرنشین و ۶۵ درصد روستانشین هستند (مختاری و شمس، ۱۳۹۶: ۱۶۸). ۹۹ درصد جامعه یمن مسلمانند که به طور عمده به مذاهب شافعی، زیدیه، امامیه و اسماعیلیه تقسیم شده‌اند.

جمعیت زیدیه ۳۵ درصد، اسماعیلیه ۵ درصد، امامیه ۲ تا ۸ درصد و مابقی؛ یعنی حدود ۵۳ تا ۵۶ درصد شافعی مذهب‌اند. یک اقلیت کوچک یهودی نیز در یمن ساکن هستند (فوزی، ۱۹:۱۳۹۱). از نظر جغرافیایی، پیروان مذهب زیدی اکثراً در شمال و مناطق کوهستانی و اهل سنت نیز در مناطق هموارو دشت‌های ساحلی جنوب سکنی دارند. جامعه یمن طایفه‌ای و قبیله‌ای است که ۸۵ درصد جمعیت را افراد مسلح قبایل تشکیل داده‌اند. دو قبیله بزرگ بکیل و حاشد از قبایل مهم یمن هستند که قبایل دیگر را تحت فرمان خود درآورده‌اند. حدود ۷۰۰ قبیله در یمن وجود دارند که بیش از ۴۰۰ قبیله از آن‌ها زیدی هستند و در قسمت‌های کوهستانی و شمالی ساکن هستند (مختاری و شمس ۱۳۹۶:۱۸۵).

یمن به دلیل دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیکی، از گذشته همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای قرار بوده و جایگاه منحصر به فردی داشته که پاره‌ای از دلایل آن عبارتند از: مجاورت آن با حرمین شریفین و نسبت مستقیم آن با حکومت و تحولات سعودی و بالعکس، اهمیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک یمن با توجه به تسلط آن بر آبراه استراتژیک باب‌المنذب، اشراف بر دریای سرخ، اشراف بر بخش قابل توجهی از اقیانوس هند، تأثیرگذاری فکری و فرهنگی بر سه منطقه مهم دنیا؛ یعنی خلیج فارس، شاخ آفریقا و آسیای جنوب شرقی (نجابت، روح الله ۱۳۹۳:۵۹-۵۸).

«یحیی بن حسین» در سال (۲۶۰ ه.ق) وارد یمن شد و مردم یمن برای اولین بار به وسیله او با آموزه‌های مکتب زیدی آشنا شده و ضمن پذیرش دعوتش از او به عنوان «امام» یاد کردند. یحیی بن حسین در سال (۲۸۰ ه.ق) براساس آموزه‌های مذهب زیدی حکومتی مستقل را در یمن پایه‌گذاری کرد. بعد از او نظام امامتی که در صعدۀ تأسیس کرد، در مقاطعی شکل مورثی و سلطنتی به خود گرفت و تا اواسط قرن بیستم میلادی ادامه پیدا کرد. در این مدت، شمال یمن به صورت پایگاه سنتی زیدیه درآمد و علما، بزرگان و شخصیت‌های علمی و فکری بسیاری در این منطقه ظهور کردند (نجابت، پیشین). در طول این سال‌ها، حکومت عثمانی بارها برای تصرف این مناطق به یمن حمله می‌کرد، اما هر بار از روحیه دلآوری و شجاعت زیدیان شکست خورده بود (موسوی‌نژاد، ۱۳۸۴:۲۸۵). اما نهایتاً این حکومت با کودتای افسران در سال ۱۹۶۲ برای همیشه ساقط گردید و حکومت جمهوری به جای آن روی کار آمد و از آن زمان به بعد نیز زیدیان هیچ‌گاه برای برگرداندن سیستم امامت اقدامی نکرده بودند.

زیدیه یکی از فرقه‌های شیعه است که برخلاف شیعیان امامیه به جای امام محمد باقر (علیه السلام) به امامت برادرش زید بن علی بن الحسین قائل هستند و نام مذهب خود را از ایشان اتخاذ کرده‌اند. در مورد زید بن علی گفته شده که امامان معصوم، شخصیت او را ستوده‌اند و او را متصف به ویژگی‌هایی همچون علم و دانش، زهد و تقوا، تهجد و پرهیزگاری، شجاعت

و ظلم‌ستیزی دانسته‌اند. شیخ مفید درباره ایشانش بیان می‌دارد: «زید بن علی بن الحسین (ع)، پس از حضرت باقر، شخصیت ممتازی در میان برادرانش بوده است. فردی عابد، پرهیزگار، فقیه، سخاوتمند و شجاع به شمار می‌رفته و به انگیزه امر به معروف و نهی از منکر و خونخواهی از جدش امام حسین (ع) قیام کرد» (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه.ق: ۱۷۱). وقتی خبر شهادت زید را به امام صادق (ع) دادند، ایشان فرمودند: «پاداش عمومیم را از خدا درخواست می‌کنم. او عموی خوبی بود. فردی بود که از دین و دنیای ما دفاع می‌نمود، سوگند به خدا که او به شهادت رسید همان‌گونه که یاران رسول خدا و علی و حسین به شهادت نائل شدند.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ه.ق، ج ۱: ۲۵۲).

اصولا گفته می‌شود از آنجا که زید از محضر پدر و برادرش (امام زین‌العابدین^(ع)) و امام محمد باقر^(ع) کسب فیض نمود، در مسائل مبدأ و معاد با ایشان نظر یکسانی داشت و عقاید مخصوص زیدیه در اساس از دیگر پیشوایان زیدیه به آن‌ها رسیده است. از ایشان روایت شده که: «هرکس آماده جهاد است، به سوی من آید و هرکس علم و دانش را خواهان است، به برادرزاده‌ام جعفر رجوع کند» (خزار رازی، ۱۴۰۱ ه.ق: ۳۰۲).

اما به هر حال برای پیروان مذهب زیدیه در منابع مختلف، عقاید ویژه‌ای بخصوص در باب مسأله امامت ذکر شده که مهمترین آن‌ها در مجموع عبارتند از:

۱. امام باید از نسل فاطمه زهرا (س) باشد. زیدیان دلیل این اعتقاد خود را حدیث منسوب به پیامبر (ص) با عنوان «المهدی من عترتی من ولد فاطمه» می‌دانند.
۲. لزوم علم امام به احکام شریعت جهت هدایت مردم.
۳. وجوب فضیلت زهد برای امام.
۴. شجاعت و نهراسیدن امام از مبارزه با ظالمان.
۵. اعتقاد به اینکه امام باید قائم به سیف باشد و اهل قعود نباشد؛ یعنی آشکارا قیام کرده و به دین خدا دعوت کند.

۶. وجوب اطاعت از امامی که قیام به سیف کرده است.

۷. جایز نبودن تقیه و مخفی نگه داشتن اعتقادات برای امام مسلمین (خضیری، ۱۳۹۱: ۳۶).

برای زیدیه اعتقادات دیگری نیز ذکر شده از جمله: عدم لزوم عصمت امام، عدم حضور آگاهی امام از غیب، مذمت نکردن شیخین، نص پنهان بر امامت حضرت علی (ع) و دو فرزندش با تعیین اوصاف و نه ذکر نام (میری، ۱۳۸۸: ۳۳).

زیدیه با ذکر و استناد به این حدیث از پیامبر اکرم (ص) که «الحسن و الحسین امامان قاما او قعدا»، قیام مسلحانه را برای امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) شرط امامت نمی‌دانند، اما امامت امام زین‌العابدین (ع) را به این علت که قیام مسلحانه نکرده‌اند، نمی‌پذیرند و فرزند

ایشان، زید را امام می‌دانند. زیدیه در درون خود به چهار فرقه اصلی جارودیه، سلیمانیه یا جریریه، بتریه و صالحیه تقسیم می‌شوند.

زید فرزند امام زین‌العابدین در سال ۱۲۲ ه.ق در کوفه شهید شد و بعد از ایشان، فرزندش یحیی در خراسان پیرمبارزه با بنی‌امیه گردید، اما قیام او نیز در سال ۱۲۶ ه.ق سرکوب شد و مانند پدرش به شهادت رسید. با سقوط بنی‌امیه و روی کار آمدن عباسیان، زیدی‌ها در کنار علویان با حکومت‌های جور مبارزه کرده و قیام‌های خود را ادامه دادند. آن‌ها دولت‌هایی نیز؛ از جمله دولت ادریسیان در مغرب (۱۷۲ ه.ق) و دولت‌های دیلمان و طبرستان را در شمال ایران (۲۵۰ ه.ق) تأسیس کردند.

شیعیان زیدی از نظر پراکندگی جمعیتی بیشتر در استان‌های: تعز، الجوف، مأرب، حجه، صنعا، اب، ضمان، عمران، مجویت و حدیده ساکن هستند، اما مرکز اصلی شیعیان زیدی جارودی و بویژه جنبش انصارالله شهر حوث در استان صعد است که هم‌مرز با عربستان سعودی بوده و ۲۴۳ کیلومتر با صنعا، پایتخت یمن فاصله دارد. مساحت این استان نیز ۲٫۵ درصد مساحت یمن است (عباسی و گلچین ۱۳۹۴: ۷۶).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شیعیان یمن جهش جمعیتی به خود دیده‌اند. در میان شیعیان؛ اعم از دوازده امامی و زیدی، از گذشته هماهنگی و اتحاد خاصی حکم‌فرما بوده و سازمان وحدت شیعیان جزیره در یمن، در راستای وحدت فعالیت دارد. بخش زیادی از شیعیان دوازده امامی که بیشتر آنان در استان صعد و برخی در صنعا زندگی می‌کنند، از نخبگان، استادان دانشگاه، روحانیون و پزشکان هستند (عباسی و گلچین، ۱۳۹۴: ۸۰).

۷- جنبش انصارالله یمن

بسیاری از صاحب‌نظران بر این اعتقادند که ریشه تحولات سیاسی اخیر یمن را باید در سال ۱۹۹۰ و زمان اتحاد دو یمن شمالی و جنوبی جست. همان‌گونه که در سطور قبل اشاره شد، حکومت امامان زیدی یمن در سال ۱۹۶۲ میلادی با کوتادی افسران سقوط کرد و حکومت جمهوری به جای آن در شمال یمن مستقر گردید. هم‌زمان در جنوب یمن نیز حکومتی تحت الحمایه بریتانیا بر سر کار بود که در نهایت در سال ۱۹۶۷ مردم این منطقه توانستند با حمایت بلوک شرق استقلال خود را باز یابند و حکومتی کمونیستی و متمایل به شوروی با عنوان جمهوری دمکراتیک خلق یمن در این خطه تأسیس گردید. در سال ۱۹۹۰ میلادی، تحت تأثیر فروپاشی بلوک شرق، زمینه اتحاد دو یمن فراهم شد و در این سال، یمن شمالی و جنوبی با هم متحد شده و کشور واحد یمن به پایتختی صنعا و مرکزیت اقتصادی عدن و با قانون اساسی جدید شکل گرفت. در قانون اساسی جدید، دین اسلام به عنوان دین رسمی

یمن، منبع قانون‌گذاری قرار گرفت و علی عبدالله صالح نیز به مقام ریاست جمهوری یمن رسید (نجابت، روح الله ۱۳۹۳: ۵۹).

زمینه‌های نزاع و اختلاف بعد از اتحاد نیز از بین نرفت و تحت تأثیر عواملی همچون جنگ قدرت گروه‌های سیاسی داخلی، قدرت‌طلبی، انحصارطلبی، تشدید رویه دیکتاتور مآبانه صالح، دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، اختلاف دیدگاه گروه‌ها و جریانات داخلی نسبت به تحولات منطقه‌ای؛ از جمله جنگ عراق و ایران که طی آن صالح از رژیم صدام، و سالم البیض رهبر جریان جنوب از ایران حمایت کرده بود، آتش جنگ داخلی را بار دیگر در سال ۱۹۹۴ شعله‌ور ساخت که طی آن، رژیم صالح با سرکوب جنوبی‌ها و اخراج سالم البیض از کشور، قدرت را به صورت انحصاری در اختیار گرفت.

تشدید دیکتاتوری صالح، افزایش میل جنوبی‌ها به استقلال‌طلبی، به همراه مشکلات و معضلات متعدد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی؛ از جمله، فقر، فساد، تبعیض و ... باعث شد تا با آغاز فرایند بیداری اسلامی در مصر و تونس، جوانان یمنی نیز به تظاهرات علیه رژیم عبدالله صالح ترغیب شوند و برای اولین بار در تاریخ یمن در سال ۲۰۱۱ میلادی توده مردم یمن علیه رژیم صالح تظاهرات کردند. (الشرجبی عادل مجاهد، ۲۰۱۲: ۱-۲)

موفقیت انقلاب مصر در کنار زدن حسنی مبارک از قدرت، شجاعت و صراحت انقلابیون یمنی را در پیگیری مطالباتشان تقویت کرد و شعارهای «أَيْنَ الدُّسْتُورِ الْوَحْدَةُ...» و «يَا عِصَابَهُ الْفَسَادِ إِرْحَلُوا الْبِلَادَ» و «يَارَبِّيسُ الْبِلَادِ إِرْحَلْ أَنْتَ وَالْأَوْلَادُ»، «الْشَّعْبُ يُرِيدُ إِسْقَاطَ النَّظَامِ» به راحتی در خیابان‌های پایتخت شنیده می‌شد و سرانجام نیز موفق شدند عبدالله صالح را از قدرت به زیر بکشند (شیخ حسینی، ۱۳۹۴: ۲۱۸).

منصور هادی، جانشین عبدالله صالح که با ابتکار شورای همکاری خلیج فارس روی کار آمده بود، از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ بر سرکار بود، اما عدم تحقق خواسته‌های انقلابیون، پایبند نبودن منصور هادی به نتایج گفت و گوهای ملی، افزایش قیمت بنزین و حامل‌های سوخت و فساد روزافزون، باعث شد تا انقلابیون بار دیگر در سال ۲۰۱۴ برای اعتراض به وضعیت موجود به خیابان‌ها بیایند. جنبش انصارالله با فراخوان مردم به تظاهرات، خواستار تحقق وعده‌های انقلاب شد. منصور هادی نیز بعد از اینکه اداره شهرهای مختلف در اختیار کمیته‌های مردمی طرفدار جنبش انصارالله قرار گرفت، از ریاست جمهوری استعفا کرد و به عدن گریخت. انصارالله نیز در فوریه ۲۰۱۵، اعلامیه جدید قانون اساسی که در آن یک شورای ملی و یک شورای ریاستی برای پیشبرد امور در غیاب پارلمان و ریاست جمهوری پیش‌بینی شده بود را اعلام کرد و از آن زمان عملاً قدرت در اختیار انصارالله است.

زمان شکل‌گیری انصارالله به طور دقیق مشخص نیست؛ اما به نظر می‌رسد تشکیل این جنبش، تحت تأثیر وقوع انقلاب اسلامی در ایران و به سال ۱۹۸۶ صورت گرفته است. در این

سال، صلاح احمد فلیته از علمای زیدی، تشکلی را تحت عنوان «اتحاد شباب» با هدف آموزش عقاید زیدی شکل داد که طی آن در کنار درس‌های دوره «محمد بدرالدین الحوثی»، مباحث مرتبط با انقلاب اسلامی ایران را نیز تدریس می‌کرد. حسین الحوثی، فرزند بدرالدین و اولین رهبر جنبش که در آن زمان عضو پارلمان یمن بود، به اتحاد شباب علاقه زیادی داشت. او اسم تشکل را که به فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی مشغول بود، ابتدا در سال ۱۹۹۱ به «منتدی الشباب المؤمن» تغییر داد و سپس در سال ۱۹۹۷ بعد از کناره‌گیری از پارلمان یمن، نام جنبش را به «تنظیم شباب المؤمن» تغییر داد. فرماندهی مستقیم جنبش را با فعالیت‌ها و دوره‌های آموزشی در اردوگاه‌های مختلف عهده‌دار شد (شیخ حسینی، ۲۱۸:۱۳۹۴).

تا سال ۲۰۰۰ میلادی، دولت عبدالله صالح به خاطر احساس خطر از گسترش نفوذ احزاب و تفکرات سلفی از فعالیت‌های جنبش حمایت می‌کرد، اما بعد از این تاریخ و با ظهور و تشدید مواضع و گرایش‌های ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی و وقایع بعد حوادث ۱۱ سپتامبر، دولت و نهادهای امنیتی به مقابله با جنبش پرداختند (شیخ حسینی، ۲۱۸:۱۳۹۴). علامه بدرالدین الحوثی در راستای گسترش معارف اهل بیت (علیهم السلام) در جامعه زیدی یمن و مقابله با افکار انحرافی وهابیت، تلاش‌های بسیاری کرد و عمر خود را در این راه مصروف داشت، لذا جنبش انصارالله این مایه‌ها و اصول فکری خود را بیش از هر کسی وامدار «علامه بدرالدین الحوثی» است که با کارهای فرهنگی و تربیتی برای تربیت نسل جدید، جنبش را تقویت کرد.

درکنار علامه بدرالدین به عنوان آغازگر این مسیر، فرزند ارشد ایشان، «شهید حسین الحوثی» نیز به عنوان ایدئولوگ جنبش، جایگاه برجسته‌ای دارد. او که فعالیت سیاسی را با عضویت در حزب الحق آغاز کرد و به پارلمان یمن نیز راه یافت، به خاطر علاقه خود نسبت به جنبش، از پارلمان استعفا نمود. حسین الحوثی، حل بحران‌های یمن و جهان اسلام را در بازگشت به قرآن می‌دانست و در راه تحقق آن نیز به مبارزه پرداخت و در نهایت نیز به شهادت رسید. جنبش انصارالله بعد از شهادت حسین الحوثی و به برکت خون او و تجربه شش سال جنگ تحمیلی با دولت مرکزی و جنگ تحمیلی توسط عربستان سعودی و متحدانش، دوره جدیدی را در حیات سیاسی اجتماعی خود تجربه می‌کند. انصارالله اکنون به پشتوانه مهم‌ترین منبع قدرت خود؛ یعنی پذیرش عمومی مردم یمن، به قدرتمندترین نیروی سیاسی یمن تبدیل شده به گونه‌ای که حوزه نفوذ خود را از منطقه محدود صعه به تمام یمن توسعه داده است.

۸- مؤلفه‌های مقاومت در فرهنگ سیاسی انصارالله یمن

۸-۱. ریشه‌های مردمی و محبوبیت

در سال‌های اخیر، برخی تحلیلگران به دلایل سیاسی تلاش کرده‌اند با ترویج یک دیدگاه غیرواقعی‌بینانه، انصارالله را یک گروه شبه‌نظامی کوچک و فاقد پشتوانه و جایگاه مردمی و

اجتماعی معرفی کنند؛ در حالی که یکی از مؤثرترین عوامل موفقیت‌ها و پیروزی‌های انصارالله، محبوبیت و جایگاه والای این جنبش در بین مردم یمن است و اساساً این مؤلفه از عناصر اصلی و تعیین کننده در بقا و دوام انصارالله در این مدت و ایفای نقش تعیین کننده توسط این جنبش در تحولات یمن می‌باشد.

انصارالله همواره در شعارهای خود بیان داشته که این جنبش به دنبال کسب قدرت و تسلط بر حاکمیت نبوده، بلکه تلاش می‌کند در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و ... از مطالبات مردم یمن نمایندگی کند و همین عامل نیز اعتماد و علاقه مردم یمن به جنبش را باعث گردیده است.

یکی از خواسته‌ها و اعتراضات جدی انصارالله به فقر و عقب‌ماندگی جامعه یمن، با وجود برخورداری این کشور از منابع سرشار زیرزمینی برمی‌گردد. انصارالله سرمنشأ این وضعیت را در استبداد و دیکتاتوری، فساد، اعمال نفوذ غیر قانونی بعضی از کشورهای منطقه، قبیله‌گرایی، نفوذ تفکرات سکولار، بی‌کفایتی مدیران ارشد و ... می‌داند و خود را در قامت بزرگترین جنبش معترض به این موضوعات مطرح کرده و لذا مردم یمن، انصارالله را منجی خود از وابستگی، استبداد، بی‌کفایتی مسئولان، فقر و عقب‌ماندگی می‌دانند و به این جنبش اعتماد نموده و حمایتش می‌کنند؛ کما اینکه در اکثر تظاهرات‌هایی که انصارالله برگزار کننده آن‌هاست، خیل کثیری از کسانی که نسبت مستقیم با این جریان ندارند، اما تصور مشترکی از منافع و خواسته‌های خود با این جریان دارند، حضور پیدا می‌کنند (روپوران، ۱۳۹۴: ۳۵)

یکی از بحران‌های حاد نظام سیاسی یمن که به دلیل خصلت دست‌نشانده‌گی حاکمان و وابستگی سیاسی این کشور به عربستان سعودی و آمریکا شکل گرفته بود، بحران شکاف همیشگی میان مسئولین و مردم بود؛ به گونه‌ای که این رهبران هیچ‌گاه درک درستی از مشکلات و بحران‌های جامعه یمن نداشتند. گویی که سیاستمداران، رهبران جنبش‌ها و احزاب سیاسی یمن به این جامعه تعلق نداشتند؛ کما اینکه بسیاری سیاستمداران، رهبران قبایل و افراد تأثیرگذار در فرایندهای سیاسی یمن به صورت ماهانه و سالیانه از عربستان سعودی حقوق دریافت می‌کنند. این در حالی است که رهبران انصارالله از جنس مردم بوده و پایگاه طبقاتی آن‌ها از اقشار و طبقات پایین جامعه یمن است و در بحران‌ها و مشکلات جامعه یمن، همراه مردم بوده و در همه عرصه‌ها برای رفع مشکلات مشارکت دارند. نمود مردمی بودن این جنبش را می‌توان در حضور مردمی برای تشیع پیکر شهدای پیشین؛ از جمله شهید حسین الحوثی و یا شهدای این جنبش در جنگ با عربستان سعودی ملاحظه کرد (التیامی‌نیا، دولت‌آبادی و نیکفر، ۱۳۹۵: ۱۸۰).

یکی از ویژگی‌های بازار جنبش انصارالله، محدود نماندن این جنبش در چارچوب‌های تنگ تفکر قومی - قبیله‌ای است. انصارالله هیچ‌گاه به دنبال ایجاد شقاق در جامعه یمن نبوده و با

اقدامات طایفه‌گرایانه و قبیله‌ای، مردم را طبقه‌بندی نکرده، بلکه همواره در شعارهای خود، وحدت‌گرایی، فراگیری و شمولیت آرمان‌ها و اهدافش را مد نظر داشته است.

با وجود این که دشمنان انصارالله تلاش می‌کنند این جنبش را در اقلیت نشان دهند و با انتساب آن به یک جریان و طایفه خاص و با نام نهادن این جنبش به حوثی‌ها، ریشه‌های قبیله‌ای آن را برجسته سازند، اما اقدامات انصارالله نه تنها رنگ و بوی قبیله‌ای و طایفه‌ای ندارد، بلکه در نگاه و جهان‌بینی این جنبش، تعصبات مذهبی نیز جایگاهی ندارد. رهبر انصارالله در میان تمام اقشار جامعه یمن حتی اهل سنت شافعی نیز ارادتمندانی دارد و رهبری او را نه تنها حوثی‌ها و زیدی‌ها، بلکه اکثریت اهل سنت جامعه یمن نیز پذیرفته‌اند و در کادر رهبری این جنبش، تعداد زیادی از سلفی‌ها نیز حضور دارند و همین مسأله رمز پیروزی و موفقیت انصارالله است (الشرجبی، عادل مجاهد، ۲۰۱۰).

صداقت انصارالله در مشی سیاسی خود و بهره‌گیری از روش‌هایی مسالمت‌آمیز در پیگیری و تحقق مطالبات مردم یمن، یکی دیگر از عواملی است که همواره برای این جنبش محبوبیت و خوش‌نامی به همراه داشته است. انصارالله هیچ‌گاه به نیرنگ و فریب و روش‌های خشونت‌آمیز و دامن زدن به جنگ داخلی در راستای حل مشکلات یمن متوسل نشده و همواره سعی کرده در چارچوب قانون اساسی یمن با توسل به روش‌های مسالمت‌آمیز و عمدتاً به وسیله تظاهرات مردمی، خواسته و اهداف خود را پیش ببرد. این جنبش همواره به توافق‌نامه‌های صلح و آتش-بس پایبند بوده و جز در دفاع از مردم و در شرایط اضطرار دست به اسلحه نبرده است (الشرجبی، عادل مجاهد، ۲۰۱۰).

۸-۲. استکبارستیزی

این مؤلفه را می‌توان با استفاده از شعارمحوری جنبش انصارالله (الله‌اکبر، الموت لامریکا، الموت لاسرائیل، اللعنه علی اليهود، النصر للاسلام) که تحت عنوان «الصرخه» شهرت یافته، در دو بخش توضیح داد.

الف) ضدیت با آمریکا

از بنیانی‌ترین اصول اندیشه سیاسی حسین الحوثی، اعلان مخالفت با آمریکا و سیاست‌های ظالمانه آن در منطقه خاورمیانه و یمن است. این نگرش همواره و بعد از او نیز سرلوحه برنامه‌های انصارالله بوده و از مسائلی است که از بدو حرکت انصارالله، توسط حسین الحوثی در دستور کار این جنبش قرار گرفته است. حسین الحوثی مبارزه با نفوذ و حضور ایالات متحده در کلیه شئون زندگی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مردم یمن را از رسالت‌های این جنبش می‌داند (کوشکی و نجابت، ۱۳۹۶: ۱۹۲).

اقدامات آمریکا بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی، در حمله به عراق و شکل دادن به پیمان‌های منطقه‌ای تحت عنوان مبارزه با رادیکالیسم و تروریسم بویژه همراهی و هم‌پیمانی دولت یمن با این اقدامات به عنوان یکی از متحدین آمریکا در منطقه که زمینه حضور و نفوذ نیروهای نظامی و جاسوسی آمریکا و اسرائیل در یمن را به بهانه مقابله با القاعده فراهم می‌نمود، نقطه عطفی برای ظهور و شکل‌گیری جنبش انصارالله بود. در این زمان، رهبر فقید انصارالله، حسین الحوثی که به عنوان دبیرکل جبهه الحق و نماینده مردم صعده در پارلمان یمن فعالیت می‌کرد، در مخالفت با حضور آمریکا در منطقه و کشور یمن، پرچم مبارزه با آمریکا را برافراشت و از طرفداران خود خواست تا بعد از هر نماز جمعه، شعار مرگ بر آمریکا سر دهند. او اعتقاد داشت، نمازی که در آن برائت از آمریکا و صهیونیسم به عنوان نماد استکبار جهانی نباشد، مورد رضایت خداوند نیست و از این جهت، او شعارمحوری این جنبش را که به خوبی نمایانگر وجه ضد استکباری آن است، شعار «الله اکبر، الموت لامریکا، الموت لاسرائیل، اللعنه علی اليهود، النصر للاسلام» قرار داد.

بنابراین شروع مبارزه و اوج‌گیری قیام انصارالله، سال ۲۰۰۳ میلادی بوده و هم‌زمان با طرح شعارمحوری فوق، انصارالله با دعوت مردم به عمل به آموزه‌های قرآن و اهل بیت (علیه السلام) در عمل نیز استفاده از کالاهای اسرائیلی و آمریکایی را منع کرد و هم‌زمان باعث جلب توجه و حمایت شمار زیادی از مردم یمن از یک سو و عداوت و دشمنی رژیم آمریکایی حاکم بر یمن، از سویی دیگر شد و رژیم عبدالله صالح، شش جنگ ویرانگر را بر جنبش انصارالله تحمیل کرد.

عبدالله صالح در توجیه دشمنی خود با انصارالله، که طی آن از سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ میلادی تا سال ۲۰۱۰ میلادی شش جنگ خونین را بر آنها تحمیل کرده و رهبر جنبش را به شهادت رسانده بود، از اتهاماتی نظیر؛ تلاش انصارالله برای احیای رژیم سلطنتی تا تروریست بودن و وابستگی انصار به ایران و حزب‌الله استفاده کرد و تلاش کرد این جنبش ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی را به هر نحو ممکن سرکوب نماید، اما هیچ‌گاه در این زمینه موفق نشد.

(ب) ضدیت با صهیونیسم و حمایت از فلسطین

از جمله اصول فکری جنبش انصارالله، حمایت از آرمان فلسطین است و ضدیت و مبارزه با رژیم اشغالگر قدس آرمان آن‌هاست (کوشکی و نجابت، ۱۳۹۶: ۱۹۲). انصارالله هیچ‌گاه در تبیین رسالت، اهداف و آرمان‌های خود در سطح ملی محدود نمانده، بلکه این جنبش همواره توانسته میان مسائل داخلی یمن، دنیای عربی و اسلامی ارتباطی موفق برقرار نماید. انصارالله به مثابه یک جنبش اسلامی، از محدود جنبش‌های عربی و یمنی است که ضمن محکومیت تجاوزات اسرائیلی‌ها، هیچ‌گاه موضع حمایت و جانبداری از ملت فلسطین را از دست نداده است. عبدالملک الحوثی، رهبر انصارالله یمن، پایه و اساس حل مسائل یمن را در

گرو حل مسأله فلسطین می‌داند. کمتر سخنرانی را می‌توان از او یافت که در کنار تأکید بر حقوق حقه یمنی‌ها، از تزییع حقوق ملت فلسطین توسط صهیونیست‌ها سخن نگفته باشد (دغشی، ۱۳۸۸: ۱۵). جنبش انصارالله، سیاست راهبردی خود را در منطقه خاورمیانه همراهی با جمهوری اسلامی ایران در طرفداری از هسته‌ها و جنبش‌های مقاومت در منطقه و ضدیت با رژیم صهیونیستی و آمریکا قرار داده و در این مسیر، عبدالملک الحوثی آشکارا بر تمایل این جنبش به نقش‌آفرینی به عنوان ضلع چهارم مقاومت در منطقه و در کنار سوریه، حزب‌الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران تأکید نموده و در عمل نیز این جنبش نقشی بی‌بدیل در تغییر نگرش‌ها، باورها و انگاره‌های ارزشی جامعه یمن نسبت به آمریکا، صهیونیسم و عربستان سعودی ایفا کرده است.

۸-۳. استقلال طلبی

استقلال‌جویی و ترد وابستگی به بیگانه از عناصر اصلی و مؤلفه‌های اساسی در گفتمان مقاومت است. در واقع، این عنصر از وجوه اصلی تمایز گفتمان مقاومت اسلامی با مکاتب و گفتمان‌های سیاسی است.

مفهوم استقلال، مفهومی اساسی در منظومه فکری انصارالله است. در قاموس فکری رهبران جنبش انصارالله، استقلال یمن زمانی رقم خواهد خورد که این جنبش بتواند از نفوذ قدرت‌ها و دولت‌های خارجی خود را رها سازد و از وابستگی به بازیگران داخلی و خارجی در امان باشد. انصارالله در فراز و فرودهای تاریخی تحولات سیاسی - اجتماعی جامعه یمن همواره تلاش نموده به عنوان بازیگری مستقل، اعتبار سیاسی و سرمایه اجتماعی خود را دستخوش وابستگی به نیروهای داخلی و خارجی ننماید. بر همین مبناست که انصارالله توانسته با تمام فشارها و محرومیت‌های داخلی و خارجی، مخاطبان خود را گسترش داده و به عنوان نماینده واقعی آن‌ها به بازیگری اصلی در تحولات یمن تبدیل شود (کوشکی و نجابت، ۱۳۹۵: ۹۸). در همین راستا، رهبر انصارالله خطاب به کسانی که برای مقابله با ملت یمن چشم به قدرت‌های خارجی دوخته بودند، بیان می‌دارد: «مردم یمن به هیچ‌کس تکیه نخواهند کرد و اراده خارجی نیز هرگز نمی‌تواند بر ملت یمن مسلط شود» (پرن‌دین، ۱۳۹۳)

۸-۴. اسلام‌خواهی

تأکید بر اسلام و آموزه‌های اسلامی از مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان مقاومت است و در واقع اسلام‌خواهی و اسلام‌گرایی، دال مرکزی گفتمان مقاومت را تشکیل داده و دیگر مؤلفه‌های مقاومت، حول این محور شکل گرفته‌اند. یکی از تفاوت‌های اصلی انصارالله با دیگر جریان‌ها و حرکت‌های اسلامی معاصر در یمن، در تفسیر جامع و موسع آن‌ها از دین و محدود نماندن به نگاه تقلیل‌گرایانه است. انصارالله توانسته همواره متناسب با شرایط زمان و مکان

انعطاف لازم را در تغییر تاکتیک‌ها و تطبیق با شرایط و اقتضائات جامعه یمن در راستای کارآمدی خود را در عرصه‌های مختلف به اثبات برساند. با وجود اینکه آغاز این جنبش با فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی بوده، اما در ادامه آنها نگاه دینی خود را در عرصه‌های سیاسی و نظامی نیز نمایان ساختند (مددی، ۱۳۹۵: ۴۶).

کسانی که پیگیر قیام مردم یمن هستند، عنصر اسلام‌خواهی را در شعارهای آن‌ها به خوبی درمی‌یابند. حوثی‌ها به عنوان مهم‌ترین گروه به پا خاسته در یک دهه اخیر، به خوبی فرهنگ عاشورا را در بین شیعیان این کشور زنده کرده و اسلام و احکام اسلامی همواره از دغدغه‌های اساسی و اصلی این جنبش بوده است (پرندین، ۱۳۹۳).

یکی از روش‌های مورد استفاده در جنبش انصارالله که نماد مؤلفه اسلام‌خواهی این جنبش است، برگزاری مراسمات و مناسبت‌های دینی است. برگزاری مراسم روز قدس، مراسمات عزاداری تاسوعا و عاشورای حسینی به تاسی از عزاداری شیعیان ایران و عراق و برگزاری مراسم ادعیه؛ مانند دعای کمیل، از جمله روش‌های انصارالله برای به نمایش گذاشتن انسجام درونی خود بوده و جذب نیروهای جدید عمدتاً از دل همین برنامه‌ها اتفاق می‌افتد. حسین الحوثی به پیروان خود تأکید می‌کرد، از ابراز علنی عقایدشان به خاطر بعضی ملاحظات ناصواب ابایی نداشته باشند (صوفی، ۱۳۹۵: ۴۲).

رهبر جنبش انصارالله، عبدالملک الحوثی در در سخنرانی روز غدیر با تأکید چندباره بر تداوم انقلاب مردم یمن تا نیل به اهداف خود، بیان می‌دارد: «مردم مسلمان یمن با توسل به اصول و آرمان‌های اسلامی به مبارزات خود ادامه داده و اجازه دخالت در امور داخلی خویش را به بیگانگان نمی‌دهند.» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۶).

۸-۵. برجستگی‌های کادر رهبری

انصارالله از بدو تأسیس، کادر رهبری قوی داشته و از طرفی مسأله رهبری و حمایت از امامی که علیه ظلم و بی‌دینی قیام کرده، از مؤلفه‌های اساسی اعتقادات زیدیه است. آنان با توجه به اعتقادات خود، از تصمیمات رهبری خویش با دل و جان حمایت کرده و آن‌ها را عملی می‌نمایند. زیدی‌های جارودی به اصل امامت و وجود رهبر، به عنوان یک اصل ذاتی در مذهب خود قائلند و عقیده دارند، جامعه زیدی هیچ‌گاه نمی‌تواند بدون امام و رهبر باشد. این پشتوانه اعتقادی سبب شد، کادر رهبری انصارالله از افراد کارآمد و قوی تشکیل شود. رهبری جنبش انصارالله به خوبی توانسته با ایجاد وحدت و اجماع داخلی، جنبش را در کوران حوادث، هدایت و رهبری کند (کوشکی و نجابت، ۱۳۹۵: ۱۱۴).

یکی از عناصر و مؤلفه‌های موفقیت هر جنبشی، ویژگی‌های شخصی رهبر آن جنبش است. رهبر جنبش انصارالله علاوه بر برخورداری از خصوصیات و ویژگی‌هایی شخصی؛ همچون ذکاوت، تدبیر و کیاست، استواری و صلابت، به لحاظ خانوادگی نیز در خانواده‌ای اصیل

و اهل علم و معرفت، مجاهد و مبارز تربیت گردیده که سوابق آن‌ها در عرصه‌های آموزشی، فکری، فرهنگی و مدیریتی در جامعه یمن درخشان بوده که یقیناً این عوامل در موفقیت جنبش انصارالله تأثیرگذار است.

همچنین، یکی از مؤلفه‌های کلیدی در شناخت جنبش انصارالله یمن، اعتقادات عمیق آن‌ها به آموزه‌های دین مبین اسلام و صدق و عده خداوند در یاری مستضعفان و مجاهدان راه حق است. همین عامل نیز سبب گردیده، آن‌ها از مواجهه با ظالمان و ایستادگی و مقاومت استکبار و استبداد داخلی و خارجی، هراسی به دل راه نداده و تا پای بذل جان مقاومت نمایند. انسجام درونی انصارالله در سایه عصبیت انسجام‌بخش قبیله‌ای و سیاست جذب حداکثری رهبران این جنبش، توانسته اقشارمختلف اهل سنت، سلفی‌های غیرتکفیری و زیدی‌های غیرحوثی را زیر پرچم مقاومت، به دور از اختلافات قدرت‌طلبانه گرد هم آورد و با این سیاست استراتژیک است که آن‌ها قادر شده‌اند نقشی مثبت و بی بدیل در یمن داشته باشند و قطعاً آینده این جنبش نیز در گرو موفقیت در پیشبرد آن خواهد بود.

سبک و شیوه مبارزه انصارالله در مقابل دشمنان داخلی و خارجی، با کیاست و تدبیر خاصی توأم بوده است. انصارالله در بسیاری از موارد، اعتراضات و برنامه‌های جنبش را با مشی مسالمت‌آمیز و نرم و با استفاده از روش‌های تظاهرات غیرخشونت‌بار مردم، پیش برده و در مقابله با دشمنان خارجی نیز سبک مبارزاتی انصارالله، استراتژی نظامی کیفی، چریکی و نامنظم است. از همه مهمتر این که جنگ‌های شش‌گانه با دولت یمن به انسجام، خبرگی و پختگی نظامی بیشتر این جنبش منجر گردیده و تجارب این جنگ‌ها در مقاومت موفق انصارالله در برابر ارتش رژیم‌های عربی بسیار تأثیر گذارده است.

۸-۶. عدالت‌خواهی و مبارزه با تبعیض مذهبی

در منظومه فکری زیدیه، امر به معروف و نهی از منکر، شرط جدایی‌ناپذیر ایمان و از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. لذا اعتراض به وضع موجود و قیام و شورش بر ضد هر حاکمی که فسق و فساد می‌کند، در ذات مذهب زیدیه نهفته است و جایز شمرده می‌شود (کردی و پاکیزه، ۱۳۹۴: ۶۹).

حکومت صالح، حیات خلوت عربستان سعودی بود. علی عبدالله صالح به پشتوانه عربستان سعودی بر یمن حکومت می‌کرد و تداوم حکومتش را در گرو جلب حمایت عربستان می‌دید؛ لذا با وجود این که خود زیدی‌مذهب بود، در طول حکومتش بیشترین آزادی تبلیغ و بسط نفوذ را به سلفی‌ها داده و مذهب زیدی را به حاشیه رانده بود. فعالیت دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه زیدیه محدود شده بود و این در حالی بود که کتاب‌های وهابیون به شدت منتشر می‌شد و به صعه که مرکز گرایش زیدی جارودی بود، توجهی نمی‌شد و ارزشی برای میراث فکری زیدیه قائل نبودند (فوزی، ۱۳۹۱: ۱۸). در این میان، با وجود این که رهبران سنتی

زیدیه گرایش محافظه‌کارانه در پیش گرفته بودند، اندیشه حوثی که خود را در معرض نابودی فرهنگی می‌دید، با قرائت انقلابی از مذهب زیدیه و در جایگاه دفاع از جامعه شیعیان زیدی، برای مقابله با این وضعیت قیام کرد. تألیفات پدر فکری و معنوی انصارالله؛ یعنی بدرالدین الحوثی در دفاع از تشیع و رد و ابطال افکار و ادعاهای فرقه وهابیت به بیش از صد عنوان کتاب می‌رسد که تعدادی از آن‌ها عبارتند از: کتاب «تحریر الافکار»، کتاب «الغاره السریعه فی الرد علی الطلیعه و الایجاز فی رد علی الفتوا الحجاز».

بعد دیگر اعتراض انصارالله به دولت یمن، جنبه عدالت‌خواهانه داشته و به بی‌توجهی دولت به وضعیت خاص استان صعده و انجام نشدن اقدامات عمرانی مربوط می‌شد (فوزی، پیشین، ۱۹). نداشتن حق تأسیس مدارس دینی برای شیعیان، آزار و شکنجه و زندانی کردن شیعیان و اعدام علمای شیعی، جلوگیری از برگزاری آیین‌های تشیع؛ مانند جشن غدیر و عزاداری تاسوعا و عاشورا، توهین به ارزش‌های شیعیان و به آتش کشیدن علنی و قانونی مساجد آن‌ها و کتاب‌هایی همچون نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه، فقر اقتصادی و انجام نشدن فعالیت‌های عمرانی در مناطق زیدیه، از دیگر دلایل ظهور جنبش انصارالله بوده است (کردی و پاکیزه، پیشین) که ویژگی‌های عدالت‌خواهانه این جنبش را به نمایش می‌گذارد.

۸-۷. صلح‌طلبی

صلح‌طلبی از دیگر مؤلفه‌های گفتمان مقاومت است که معنای آن، تمرکز بر صلح‌طلبی و دوری از جنگ و خشونت در برابر پدیده‌های سیاسی و اجتماعی در ابعاد داخلی و بین‌المللی و اتکا بر رویکردها و راهبردهای نرم برای ایستادگی در برابر استکبار و نظام سلطه است. به کارگیری روش‌های روشن و قابل پیش‌بینی در تحقق مطالبات و تعهد به کنش‌های مسالمت‌آمیز، عمل و تعهد به پیمان‌ها و توافقنامه‌های آتش‌بس با دولت یمن جهت حفظ امنیت و آرامش جامعه، از جنبش انصارالله در اذهان جامعه یمن، جنبشی صلح‌طلب ترسیم کرده و همواره برای این جنبش، موجد خوش‌نامی بوده است. انصارالله هیچ‌گاه به دنبال شعله‌ور کردن آتش جنگ داخلی و فتنه‌انگیزی نبوده، بلکه در پیگیری خواسته‌های خود به ظرفیت‌های قانون اساسی یمن؛ از جمله حق تظاهرات مسالمت‌آمیز متوسل گردیده و هیچ‌گاه برخلاف ضوابط و قوانین عمومی یمن اقدامی را مرتکب نگردیده است (خواجه سروی و شهرکی، ۱۳۹۱: ۱۹۹).

یکی از اتهامات ساختگی رسانه‌های سعودی بر علیه انصارالله، «تلاش برای قبضه کردن قدرت» است. هرچند که انصارالله دخالت در فرایندهای سیاسی در جهت حل مفاسد آن را بر خود فرض می‌داند، اما عملاً به همه ثابت کرده که کسب قدرت و قبضه موقعیت‌های سیاسی هدف این جنبش نیست. همکاری این جنبش با گروه‌های مختلف و عدم انحصارگرایی و تمامیت‌خواهی، این موضوع را تصدیق می‌کند.

انصارالله اوج صلح طلبی خود را در جریان انقلاب دوم یمن نشان داد. آن زمان که نخست وزیر استعفا کرد و محسن الاحمر و ارتش به همراه گارد ویژه ریاست جمهوری تسلیم شدند و انصارالله بدون توسل به خشونت با امضای توافقنامه صلح با دولت نشان داد این جنبش به بلوغ سیاسی رسیده و هرگز خشونت را به عنوان ابزاری برای رسیدن به هدف به رسمیت نمی شناسد (پرندین، ۱۳۹۳).

عبدالملک الحوثی در پاسخ به برخی اتهامات و فضا سازی های رسانه ای که خطر کسب قدرت توسط این جنبش را القا می کردند، رسماً اعلام کرد: «سهم خواهی و اشغال پست های دولتی هیچ وقت هدف انقلابیون نبوده است. عزم انصارالله بر واگذاری همه سمت های تحویل گرفته شده در دولت جدید به برادران خود در جنوب قرار گرفته است. اگرچه ما تصمیمی برای مشارکت در دولت نداریم، اما تشکیل فوری دولت، امری ضروری است» (همان، ۱۷۹).

در مجموع باید گفت، انصارالله در عرصه داخلی همواره عملکرد خود را در چارچوب قانون اساسی یمن دنبال می کند. در عرصه خارجی نیز علی رغم تجاوز گسترده و ویرانگر عربستان سعودی به یمن، بمباران شهروندان بی گناه، هدف قرار دادن زیربنای اقتصادی و نظامی یمن و تحمیل تحریم و گرسنگی بی سابقه به مردم یمن، این جنبش هیچ گاه به اقدامی غیرانسانی مشابه آنچه عربستان سعودی در طی چندین سال انجام داده، متوسل نشده و همواره از مذاکرات صلح استقبال نموده است.

نتیجه گیری

از زمان آغاز تجاوز نظامی به یمن در سال ۱۳۹۴، عربستان سعودی انتظار داشت طی دو هفته جنبش انصارالله را سرکوب نموده و برای همیشه از صحنه معادلات سیاسی یمن حذف نماید. با این حال با گذشت شش سال از شروع جنگ، جنبش انصارالله به عنوان جنبش اسلامی و شیعی توانست در برابر تجاوز نظامی کشورهای عضو ائتلاف به رهبری عربستان سعودی به خاک یمن با کمترین امکانات و با وجود محاصره کامل کشور و توسل سعودی ها به جنایت جنگی، نسل کشی و بمباران غیرنظامیان، مقاومت نموده و ضمن ایجاد اتحاد و یکپارچگی بی سابقه در کشور، شکست های متعددی بر متجاوزان به خاک یمن تحمیل نماید، به گونه ای که اکنون شکست راهبرد ائتلاف سعودی و حامیان آن در یمن برکسی پوشیده نیست.

مهمترین مسأله در مورد پیروزی های انصارالله در برابر متجاوزین و در نبردهای داخلی، ارتباط آن ها با آموزه های گفتمان مقاومت در منطقه است. گفتمانی که در پی وقوع انقلاب اسلامی ایران و شکل گیری ایدئولوژی هویت بخش و استقلال طلبانه این انقلاب به یکی از زیر ساخت های اساسی و تعیین کننده تحولات خاورمیانه تبدیل شد و با وجود توطئه ها و دشمنی های استکبار جهانی و خط سازش در منطقه، به خوبی استقرار نظمی اسلامی و نوین را

در غرب آسیا پیگیری نمود و نقش برجسته‌ای را در ایجاد هسته‌های مقاومت و شکل دادن به هویت دینی، فرهنگی و بومی مسلمانان منطقه ایفا می‌کند.

بر این اساس، در راستای نیل به شناختی عمیق‌تر از اصول و پایه‌های هویتی جنبش انصارالله و آشنایی بیشتر با مبانی سیاسی و اعتقادی این جنبش، سؤال اصلی تحقیق؛ یعنی بررسی مؤلفه‌های مقاومت در فرهنگ سیاسی جنبش انصارالله در چارچوب رهیافت سازه-انگاری و تأکیدی که این رهیافت بر اولویت متغیرهای غیر مادی همچون فرهنگ، هویت، هنجارها و اندیشه‌ها در تبیین رفتار کنشگران دارد، مورد تحلیل قرار گرفت. در این ارتباط، پیشینه تاریخی مذهب زیدیه و ابعاد اعتقادی، فرهنگی، هویتی و فکری جنبش انصارالله بررسی شد و مهمترین مؤلفه‌های گفتمان مقاومت که عبارتند از: اسلام‌گرایی، استکبارستیزی، ظلم-ستیزی و عدالت‌طلبی، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی و رهبری مردمی و دینی در این جنبش مورد سنجش قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جنبش انصارالله، جنبشی جوان، پویا و نیرومند و پرچمدار نهضتی بر پایه اندیشه‌های اصیل زیدیه بویژه دو اصل قیام به سیف در برابر ظلم و اصل امر به معروف و نهی از منکر است که توانسته نفوذ گسترده‌ای در جامعه یمن به حتی میان اهل سنت پیدا کند. فرهنگ سیاسی این جنبش، ریشه در اعتقادات دینی شیعیان زیدی و تأثیر پذیری ایدئولوژیکی از انقلاب اسلامی ایران دارد و در صورت تسلط بر تنگه راهبردی باب-المنذب و بندر الحدیده، می‌تواند حاکمیت گفتمان مقاومت را در منطقه تحکیم نماید. برخلاف تبلیغات گسترده رسانه‌های آمریکایی، صهیونیستی، سعودی در جهت بدنام کردن این جنبش و مقایسه آن با جریان‌های تکفیری؛ همچون داعش، اصول فکری و ماهیتی انصارالله مبتنی بر اعتقادات و آموزه‌های اصیل دینی و اسلامی است. رهبری این جنبش مردمی و از یک خاندان اصیل در یمن است که از جنس مردم بوده و محبوبیت بالایی در میان مردم دارد. یکی از مؤلفه‌های بارز فکری در جنبش انصارالله، مبارزه با استکبار آمریکایی و صهیونیستی و حمایت از آرمان فلسطین است. استقلال‌طلبی و مبارزه با دشمن سعودی که در صدد تسلط بر یمن است، از دیگر بن‌مایه‌های فکری جنبش است. در عرصه داخلی نیز جنبش به دنبال پاک‌سازی دستگاه حاکمه از فساد، گرایشات سکولاریستی و غیردینی، رفع محرومیت و تبعیض و سرسپردگی است و در پیگیری همه اهداف، منش جنبش بر صلح‌طلبی و مسالمت‌جویی استوار است.

کتابنامه

۱. ابن بابویه، محمد ابن علی (۱۳۷۸ ه.ق)، *عیون اخبار الرضا*، محقق و مصحح، مهدی لاجوردی، تهران، جهان. (برگرفته از مقاله عقاید و افکار شیعیان زیدی، کردی، حمید رضا، پاکیزه محمود)
۲. اکبری (۱۳۹۷)، *کتاب مقاومت در یمن*، ص ۱۸. قابل دسترسی در وبلاگ شخصی <http://akbariy.com/>
۳. امام جمعه‌زاده، سیدجواد، موسوی، سیدسعید، (۱۳۹۸)، جهانی شدن و روند عام گرایی و خاص گرایی در فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، (۲): ۲۳-۵۰.
۴. امینی، علی اکبر، خسروی محمد علی، (۱۳۸۹)، تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت زنان و دانشجویان، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، (۷): ۱۲۷-۱۴۲.
۵. آرمند، حسین، (۱۳۹۸)، گزینه‌های انصارالله برای پیروزی در جنگ، *مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۲۰ (۸۰): ۲۹-۵۰.
۶. بابایی، پویان، (۱۳۹۴)، علل گرایش به محور مقاومت در یمن، *مجله مطالعات راهبردی جهان اسلام*، ۱۶ (۶۲): ۸۵-۱۰۸.
۷. یزیدین لطف الله (مهر ماه ۱۹۳) «واکاوی پیروزی انقلاب دوم یمن از منظر گفتمان مقاومت»، *پایگاه تحلیلی برهان* www.borhan.ir
۸. التیامی‌نیا، رضا، باقری دولت‌آبادی علی، نیکفر جاسب، (۱۳۹۵)، بحران یمن: بررسی زمینه‌ها و اهداف مداخلات خارجی عربستان و امریکا، *مجله پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۵ (۱۸): ۱۷۱-۱۹۸.
۹. جانسیز احمد، تارین مصطفی (۱۳۹۸)، بررسی ریشه‌های سیاسی و ایدئولوژیک جنبش حوثی‌ها، *نشریه سپهر سیاست*، ۶ (۲۱): ۱-۱۸.
۱۰. حیدریان محمد جواد، مظاهری رسول، (۱۳۹۹)، تحلیل مداخله عربستان در یمن از منظر پارادایم حقوق بین‌الملل، *فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل*، ۱۳ (۵۰): ۱۹۱-۲۱۹.
۱۱. خبرگزاری ایسنا، (۱۳ دی ماه ۱۳۹۳)، عبدالملک الحوثی، پیام ما به جهان صلح و ثبات برای منطقه است.
۱۲. خزار رازی، علی بن محمد، (۱۴۰۱ ه.ق) *کفایه‌الاکثر فی النص علی الائمه الاثنی عشر*، محقق، عبدالطیف حسینی کوه‌کمری، قم، *انتشارات بیدار*. (کردی، حمیدرضا، پاکیزه محمود).
۱۳. خزلی، اکبر، ادیبی حمیدرضا (۱۳۹۸)، جریان‌شناسی جنبش انصارالله یمن، *فصلنامه جغرافیای نظامی امنیتی*، (۶): ۱-۳۶.

۱۴. خضیری، احمدحسن (۱۳۹۱)، *دولت زیدیه در یمن*، مترجم: احمد بادکوبه هزاوه، قم، چاپ سوم، پژوهشگاه حوزه.
۱۵. خواجه سروی، غلامرضا، شهرکی حامد (۱۳۹۱)، *انقلاب اسلامی ایران و بیداری اسلامی در یمن با تأکید بر جنبش الحوثی*، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، ۱(۱): ۱۸۵-۲۲۰.
۱۶. دغشی احمد، محمد، تبارشناسی حوثی‌ها (۱۳۸۸)، *دوهفته نامه یگانه حوزه*، (۲۷۰): ۲۹.
۱۷. رویوران، حسین (۱۳۹۴)، *تجاوز نظامی عربستان به یمن: ریشه‌ها و پیامدها*، ماهنامه فرهنگ اسلامی، ۵۸-۶۲.
۱۸. ستوده محمد (۱۳۸۵) *تحولات نظام بین‌الملل و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، قم: بوستان کتاب.
۱۹. سلیمی، حسین (۱۳۸۹)، *فرهنگ‌گرایی، جهانی شدن و حقوق بشر*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.
۲۰. الشرجبی، عادل مجاهد، ۲۰۱۰، *القبیله فاعل غیرالرسمی، الفاعلون غیرالرسمیین فی الیمن، مرکز الجزیره للدراسات*. مقاله دکتر عادل مجاهد الشربابی با عنوان «*فعلان غیررسمی در یمن*» منتشر شده در *سایت الجزیه للدراسات* به آدرس <https://studies.aljazeera.net>
۲۱. الشرجبی، عادل مجاهد، ۲۰۱۲، *المسار الثوری للتحول الیدمقراطی*، قاهره: المؤتمر الوطنی الیمن الی این؟ (متن مقاله دکتر عادل مجاهد الشربابی با عنوان *مسیر انقلابی به سوی گذار دموکراتیک*، ارائه شده به کنفرانس ملی «*یمن کجا؟*»، که طی دوره ۲۳ تا ۲۴ ژانویه در قاهره پایتخت مصر برگزار شد). قابل دسترسی در سایت <http://aleshteraky.com>
۲۲. شیخ حسینی، مختار (۱۳۹۳)، *جنبش انصارالله یمن*، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، چاپ اول.
۲۳. شیخ مفید (۱۴۱۳ ه.ق.)، *الارشاد*، قم، کنگره شیخ مفید. (برگرفته از مقاله عقاید و افکار شیعیان زیدی، کردی، حمید رضا، پاکیزه محمود (۱۳۹۴)، فصلنامه، فرهنگی، بصیرتی، تبلیغی قیام، شماره ۱۱۵).
۲۴. صوفی، محمد (۱۳۹۵)، *باب المنذب - چرخش استراتژیک یمن*، تهران: مؤسسه اندیشه-سازان نور.
۲۵. عباسی، مجید و گلچین، سعید (۱۳۹۴)، *انقلاب اسلامی ایران و ژئوپلیتیک تشیع در یمن: از هویت‌یابی تا بیداری*، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۱۸(۶۹): ۷۰-۱۰۲.
۲۶. علی اکبری، معلم (۱۳۸۲)، *علل و عوامل فروپاشی رژیم پهلوی*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

۲۷. فوزی، یحیی (۱۳۹۱)، علل شکل‌گیری و ماهیت جنبش‌های سیاسی در خاورمیانه: بررسی موردی جنبش سیاسی در یمن، *فصلنامه مطالعات جهان اسلام*، ۱۱(۱): ۱۷-۳۴.
۲۸. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۴)، *روش و بینش در سیاست*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۲۹. کردی، حمیدرضا، پاکیزه محمود (۱۳۹۴)، عقاید و افکار شیعیان زیدی، *فصلنامه، قیام*، ۱۱۵(۱): ۶۱-۷۵.
۳۰. کوشکی، صادق، نجابت، روح‌الله (۱۳۹۶)، تأثیرپذیری مفهومی و روشی انصارالله از انقلاب اسلامی ایران، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۶(۲۲): ۱۸۲-۲۰۲.
۳۱. کوشکی، محمد صادق، نجابت، روح‌الله (۱۳۹۵)، انصارالله از تأسیس تا تثبیت، قم، دفتر نشر معارف.
۳۲. مختاری حسین، شمس مجتبی (۱۳۹۶)، تحلیل ژئوپلیتیک بحران یمن، *مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی*، ۱۲(۱): ۱۶۵-۱۹۳.
۳۳. مددی، جواد (۱۳۹۶)، *ستیع مرآن*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۳۴. مسعودنیا حسین، علی حسینی حسین، محمدی فرنجات (۱۳۹۳)، نقش فرهنگ سیاسی شیعه در میزان قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج*، ۱۱۷(۶۳): ۲۷-۵۲.
۳۵. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۰) *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: انتشارات سمت.
۳۶. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴) *جاذبه و دافعه علی (ع)*، قم: انتشارات صدرا.
۳۷. موسوی‌نژاد، سیدعلی، (۱۳۸۴)، *زیدیه از ظهور تا تأسیس حکومت*، *مجله طلوع*، ش ۱۴ و ۱۳، ص ۲۵۸-۲۷۶.
۳۸. موسوی نژاد، سیدعلی، ۲۹ آذر ۱۳۹۱، «آشنایی با زیدیه»، [www/http://emamat.ir](http://www.emamat.ir)
۳۹. میری، مرتضی (۱۳۸۵)، *زیدیان یمن: عقاید و باورها*، نشریه پنجره مهر، ۱۵(۲۳): ۲۳-۴۶.
۴۰. نجابت، روح‌الله (۱۳۹۳)، جنبش انصارالله حزب‌اللهی دیگر در شبه جزیره عربستان، *مجله فلسفه و کلام*، شماره ۹۱ و ۹۲: ۵۸-۵۹.
۴۱. وقوفی، امید (۱۳۹۹)، سناریوهای آینده سیاسی یمن، *آفاق امنیت*، ۱۳(۹): ۸۶-۱۱۳.
۴۲. هنری، لطیف‌پور یدالله (۱۳۸۰) *فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی* ۵۷-۴۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴۳. یزدانی، عنایت‌اله، زندیه رؤیانزاد (۱۳۹۳)، *نگاهی سازه‌نگارانه به ظهور پدیده تروریسم در خاورمیانه*، *فصلنامه علمی تخصصی حبل‌المتین*، ۹(۹): ۱۴۳-۱۷۰.

References

1. Ibn Babavieh, Mohammad Ibn Ali (1959), Ayoun Akhbar al-Reza, researcher and editor, Mehdi Lajevardi, Tehran, Jahan. (**Adapted from the article on the beliefs and thoughts of the Zaidi**, Kurdish, Hamid Reza, Pakizeh Mahmoud Shiites) (in Persian).
2. Akbari (2009), Book of **Resistance in Yemen**, p.18. Available on personal blog <http://akbariy.com/>. (in Persian).
3. Imam Jomehzadeh, Seyed Javad, Mousavi, Seyed Saeed, (2019), **Globalization and the trend of generalization and specialism in the political culture of the Islamic Republic of Iran**, Quarterly Journal of Political Studies, 2 (7): 23-50. (in Persian).
4. Amini, Ali Akbar, Khosravi Mohammad Ali, (2010), **The Impact of Political Culture on the Participation of Women and Students**, Quarterly Journal of Political Studies, 2 (7): 127-142. (in Persian).
5. Armand, Hossein, (2019), **Ansarullah's options for winning the war**, Strategic Studies of the Islamic World, 20(80): 29-50. (in Persian).
6. Babaei, Pouyan, (2015), **Causes of the tendency towards resistance in Yemen**, Journal of Strategic Studies of the Islamic World, 16 (62): 85-107 (in Persian).
7. Parandin Lotfollah (October 2014) "**Analysis of the victory of the second Yemeni revolution from the perspective of resistance discourse**", Borhan Analytical Base - www.borhan.ir (in Persian).
8. Al-Tiaminia, Reza, Bagheri Dolatabadi Ali, Nikfar Jaseb, (2016), **The Yemeni Crisis: A Study of the Backgrounds and Objectives of Saudi-American Foreign Intervention**, Journal of Strategic Policy Research, 5(18): 171 -198. (in Persian).
9. Jansiz Ahmad, Tarin Mostafa (2019), **A Study of the Political and Ideological Roots of the Houthi Movement**, Sepehr Siyasat, pp. 18-3. (in Persian).
10. Heydarian Mohammad Javad, Mazaheri Rasool, (2020), **Analysis of Saudi intervention in Yemen from the perspective of the paradigm of international law**, Quarterly Journal of International Relations Studies, 13(50): 191-219. (in Persian).
11. ISNA News Agency, (December 4, 2014), **Abdul Malik Al-Houthi, is our message to the world of peace and stability for the region** (in Persian).
12. Khazar Razi, Ali Ibn Mohammad, (1981) **The adequacy of the work in the text of the Twelve Imams**, researcher, Abdul Latif Hosseini Kuhokmari, Qom, Bidar Publications. (in Persian).
13. Khazli, Akbar, Adibi Hamid Reza (2019), **Historiography of the Ansarullah Movement in Yemen**, Quarterly Journal of Military Security Geography, 2(16): 1-36. (in Persian).
14. Kheziri, Ahmad Hassan (2012), **The Zaydi Government in Yemen**, Translator: Ahmad Badkoubeh Hazaveh, Qom, Third Edition, Hozeh Research Institute. (in Persian).

15. Khajeh Sarvi, Gholamreza, Shahraki Hamed (2012), **The Islamic Revolution of Iran and the Islamic Awakening in Yemen with Emphasis on the Houthi Movement**, Quarterly Journal of Islamic Revolution Research, (No. 1), pp. 185-220. (in Persian).
16. Dagshi Ahmad, Mohammad, **Genealogy of the Houthis** (2009), Pegah Hozeh biweekly, (No. 270), p.29. (in Persian).
17. Raviran, Hussein (2015), **Saudi military invasion of Yemen: Roots and consequences**, Islamic Culture Monthly, pp. 58-62. (in Persian).
18. Sotoudeh Mohammad (2006) **Developments in the International System and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran**, Qom: Book Garden. (in Persian).
19. Salimi, Hossein (2010), **Culturalism, Globalization and Human Rights**, Tehran: Office of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs(in Persian).
20. Al-Sharjabi, Adel Mujahid, 2010, **The unofficial informal tribe, the unofficial informal actors in Al-Yaman**, Al-Jazeera Center for Studies. Article by Dr. Adel Mujahid al-Sharbabi entitled "Informal actors in Yemen" published on the Al-Jazeera website at <https://studies.aljazeera.net> (in Persian).
21. Al-Sharjabi, Adel Mujahid, 2012, **Al-Masar al-Thawri for the Democratic Transformation, Cairo: Al-Mutammar Al-Watani Al-Yaman Al-Ain?** The course was held from January 23 to 24 in Cairo, the capital of Egypt). Available at <http://aleshteraky.com>(in Persian).
22. Sheikh Hosseini, Mukhtar (2014), **Ansarullah Movement of Yemen**, Qom: World Assembly of Ahl al-Bayt (as), first edition. (in Persian).
23. Sheikh Mofid (1993), Al-Arshad, Qom, Sheikh Mofid Congress. (Taken from the article on **the beliefs and thoughts of the Zaidi Shiites**, Kurds, Hamid Reza, Pakizeh Mahmoud (2015), Quarterly, Cultural, Insight, Propaganda of the Uprising, No. 115. (in Persian).
24. Sufi, Mohammad (2016), **Bab al-Mandeb - The Strategic Turn of Yemen**, Tehran: Noor Thinkers Institute. (in Persian).
25. Abbasi, Majid and Golchin, Saeed (2015), **The Islamic Revolution of Iran and Shiite Geopolitics in Yemen: From Identity to Awakening**, Quarterly Journal of Basij Strategic Studies, 18(69): 70-102.(in Persian).
26. Ali Akbari, Moallem (2003), **Causes and factors of the collapse of the Pahlavi regime**, Qom, Islamic Propaganda Office. (in Persian).
27. Fawzi, Yahya (2012), **Causes of formation and nature of political movements in the Middle East: A case study of the political movement in Yemen**, Quarterly Journal of Islamic World Studies, 1(1): 17-34. (in Persian).
28. Kazemi, Ali Asghar (1995), **Method and Insight in Politics**, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications. (in Persian).
29. Kurdi, Hamid Reza, Pakizeh Mahmoud (2015), **Zaidi Shiite Beliefs and Thoughts**, Quarterly, Uprising, No. 115, pp. 61-75(in Persian).

30. Koushki, Sadegh, Najabat, Ruhollah (2017), **Ansarullah's Conceptual and Methodological Influence of the Islamic Revolution of Iran**, Quarterly Journal of Islamic Revolution Research, 6(22): 182-202. (in Persian).
31. Koushki, Mohammad Sadegh, Najabat, Ruhollah (2016), **Ansarullah from its establishment to its establishment**, Qom, Maaref Publishing Office. (in Persian).
32. Mokhtari Hussein, Shams Mojtaba (2017), **Geopolitical Analysis of the Yemeni Crisis**, Journal of Political Geography Research, 2(1): 165-193. (in Persian).
33. Madadi, Javad (2018) **Stigh Maran**, Tehran: Noor Institute of Thought Studies. (in Persian).
34. Masoudnia Hossein, Ali Hosseini Hossein, Mohammadi Farnjat (2014), **The Role of Shiite Political Culture in the Soft Power of the Islamic Republic of Iran**, Basij Strategic Studies Quarterly, 17(63): 27-22. (in Persian).
35. Moshirzadeh, Homeira (2011) **Transformation in theories of international relations**, Tehran: Samat Publications. (in Persian).
36. Motahari, Morteza, (2005) **Attraction and repulsion of Ali (AS)**, Qom: Sadra Publications. (in Persian).
37. Mousavinejad, Seyed Ali, (2005), **Zaydiyya from the emergence to the establishment of the government**, Tolo Magazine, pp. 14 and 13, pp. 258-276. (in Persian).
38. Mousavinejad, Seyed Ali, December 20, 2012, "**Introduction to Zaydia**", <http://emamat.ir> (in Persian).
39. Miri, Morteza (2006), **Yemeni Zaidis: Beliefs and Beliefs**, Panjereh Mehr Magazine, No. 15: 23-46. (in Persian).
40. Najabat, Ruhollah (2014), **Ansarullah movement of another divine party in the Arabian Peninsula**, Journal of Philosophy and Theology, No. 91 and 92, :58-59. (in Persian).
41. Waqf, Omid (2020), **Yemeni Political Future Scenarios, Security Horizons**, 13(9): 86-113. (in Persian).
42. Henry, Latifopour Yadollah (2001) **Shiite Political Culture and the Islamic Revolution** 57-42, Tehran: Islamic Revolution Documentation Center. (in Persian).
43. Yazdani, Enayatullah, Zandieh Royannejad (2014), **A Constructivist Look at the Emergence of Terrorism in the Middle East**, Habal Al-Matin Quarterly, 9:170-143. (in Persian)